واژه‌های همانند در پهلوی و کُردی

گردآوردهٔ :

صدیق صفی‌زاده (بوره‌که‌ئی)

دارای ۱۵۹۱ واژه پهلوی

چاپ رشدیه

واژه های همانند در پهلوی و کُردی

گردآورده :

صدیق صفی زاده (بوره که یی)

دارای ۱۵۹۱ واژه پهلوی

صدیق صفی‌زاده

پیش گفتار

دربرخی از نوشته های دانشمندان کُرد می بینیم که زبان کردی را دور نمائی از زبان پهلوی ، یا همریشه وهمآهنگ باآن میدانند . چنانکه استاد گیو مُکریانی درروية ۷۶۷ فرهنگ خود بنام فرهنگ مهاباد ، کتاب دینکرد پهلوی راازنوشته های باستانی کردی یادمیکند وبویژه گویشهای تیره های لُروکلهُر وشُوان رابهمان زبان میداند . دانشمندبزرگ آیة الله مردوخ کردستانی نیزدررویهٔ ۴۵ بخش نخست تاریخ مردوخ ، ازهماهنگی پهلوی وکردی سخن میراندوگویش لری راازنزدیکترین گویشهای کردی به پهلوی یادمیکند .

دراین چندسال که برای فراهم آوردن وبچاپ رساندن بخش یکم و دوم فرهنگ کردی وکتاب خسرووشیرین خانای قبادی بااستادا و رنگ همکاری میکردم ، دیدم ایشان هم دارای همین رای واندیشه هستندویکی از برنامه های آینده شان این است که دراین باره کتابی بنویسیم واین رازرا آشکارسازیم .

پس ازگفت وگوهاسرانجام کار ، این برنامه رابه گردن من انداختندو مرابرای انجام دادن آن دلگرمی دادند . من هم که دلباختهٔ چنین کارهائی هستم ، باخُرسندی فراوان پذیرفتم وسرگرم کارشدم . دربررسی هاوسنجشهائی که میکردم ، میدیدم همانجوراست که گفته اندونوشته اند . یعنی بسیاری از واژه های کردی ، همان واژه های پهلوی ویااینکه همآهنگ وهمریشه باآنهاست

با ژرف بینی هر چه بیشتر، واژه های همانند و همآهنگ را از فرهنگ پهلوی و فرهنگهای کردی بیرون آوردم و پهلوی هم گذاشتم و سنجیدم و به این پیکره در آوردم که اینک بدست خوانندگان میرسد.

پس از آنکه کارم را بانجام رساندم، بردم به اورنگ والاگهر نشان دادم. دیدم بسیار شادمان شدند و با مهرورزی فراوان و آمادگی نشان دادن برای کمک در چاپ کتاب، گفتند چون دانشمند گرانمایه آقای دکتر صادق کیا معاون وزارت فرهنگ و هنر و استاد دانشگاه، در زبان پهلوی آگهی های بسنده دارند و بویژه این زبان را در دانشگاه درس میدهند، بهتر این است بایشان هم نشان بدهید.

من هم چنین کردم و کتاب را بردم به استاد کیا نشان دادم. بسیار خوششان آمد و با شیوهٔ بزرگواری و بلندمنشی به من مهرورزی کردند و کارم را از راه نمایاندن شاخه هائی از فرهنگ و دانش ایران سودمند دانستند و برخی راهنمائی هائی هم کردند که آنها را نیز به کار بستم.

با آنچه گفته شد، خدا را سپاس میگویم و در پیشگاه مام میهن سرافرازم که توانستم گوشه ئی از فرهنگ و زبان ایران زمین و بویژه راز بهستگی آنها را نمایان سازم و از این راه ارمغانی به پژوهندگان و بویژه ایران دوستان و میهن پرستان پیشکش نمایم.

در اینجا شایسته می دانم از رادمرد مزداپرست بلندمنش و ایران دوست آقای مهربان فرهنگی کرمانی سرپرست شرکت داروئی فرهنگی سپاسگزاری کنم که در هزینهٔ چاپ این کتاب به من کمک کردند و مایهٔ پیشرفت کارم

رافراهم آوردند . از خدا میخواهم که در زندگی کامیاب وشاد وخـــرم باشند .

پاینده ایران

صدیق صفی زاده (بوره که ئی)

تهران - تیرماه ۱۳۵۰

شیوهٔ کار

دراین کتاب چنانکه دیده میشود، نخست واژه ها ی پهلوی را نوشته‌ام ، پس از آن معنی واژه ها را با فارسی سره یاد کرده ام . سپس برای نشان دادن گویشهای همانند و همانگ با واژه ها ی پهلوی ، دو کمان باز کرده و واژه ها ی کردی را از گویشهای گوناگون ، با شماره گذاری ورده بندی در میان دو کمان گذاشته و کوتاه شدهٔ نامهای گویشها را هم در پشت سر هر دسته از واژه ها آورده ام تا دانسته شود هر کدام از واژه ها وابسته به کدام یک از گویشها میباشد .

نامهای کوتاه شده از گویشها

چنانکه گفته شد ، در پشت سر هر دسته از واژه ها ، کوتاه شدهٔ نام هر یک از واژه ها را گذاشته ام . این نامهای کوتاه شده که هر کدام نمودار یکی از گویشهاست ، بدینسان میباشد :

سو = سورانی - ار = اَرَدلانی - ک = کَلهُری - با = بادینانی - زا = زازائی - گ - گورانی - هـ = هَورامی - ل = لری - ف = فَیلی - مک = مُکری .

واتهای نشانه دار

در پهلوی و کردی به برخی واژه ها برخورد میکنیم که دارای آهنگهای ویژه ئی هستند . مانند واوِ ناپیدا ، یایِ ناپیدا . واوِ ناپیدا همان است که

بنام (واو معدوله) خوانده میشود. یای ناپیدا هم میانهٔ سدای زیر (ـِـ) و یای کشیده است، یعنی چندان نمایان نیست.

برای نشان دادن این دو آهنگ که در پهلوی و کردی هستند، نشانه‌ئی مانند (٧) در بالای آنها گذاشته شده تاشناخته شوند. مانند: رۆژ بمعنی روز و تیۆژ بمعنی تیز در پهلوی و کردی.

افزون برآنها که گفته شد، در اینجا به دو آهنگ دیگر برمیخوریم که ویژهٔ برخی گویشهای کردی هستند. این دو آهنگ بدینگونه اند:

١- لّ - این وات (١) با این نشانی، نمودار لام سنگین است. میتوان آنرا با لام مشدّد در عربی نزدیکی داد.

٢- ڤ - این وات که تنها در گویش بادینانی و زازائی بکار میرود، مانند: V در انگلیسی است. یعنی در بکاربردن آن، تیغهٔ دندانهای بالائی روی لبهٔ پائین جای میگیرد و آهنگ ویژه‌ئی را پدید می‌آورد.

نوشته‌هائی که از آنها بهره‌گیری کرده‌ام

١- الهديّة الحميدية فی اللغة الكردية، گردآوردهٔ یوسف ضياء الدين پاشا الخالدی المقدسی.

٢- برهان قاطع.

٣- فرهنگ پهلوی گردآوردهٔ دکتر بهرام فره‌وشی استاد دانشگاه.

٤- فرهنگ جگرخون

١- وات = حرف

۵ - فرهنگ لُری کرد آوردهٔ حمید ایزدپناه .

۶ - فرهنگ خال کرد آوردهٔ شیخ محمد خال .

۷ - فرهنگ مردوخ کرد آوردهٔ آیة اله مردوخ کردستانی .

۸ - فرهنگ مهاباد کرد آوردهٔ گیو مکریانی .

۹ - فرهنگ وهبی کرد آوردهٔ توفیق وهبی بزبان انگلیسی .

یکدسته واژه های کردی هست که در این فرهنگها دیده نمیشود . پاره ئی از آنها را خودم روی آگاهی هائی که از گویشهای گوناگون کردی دارم ، پیدا کردم و در اینجا آورده ام . برخی واژه ها را هم از کتابهای پراکندهٔ کردی آورده ام . روی هم رفته همهٔ اینها وابسته به کردی و گویشهای گوناگون کردی میباشد .

آ

• آپ = آب (۱- آو - سو ۲- آف - ز ۳- اوٗ - ل)

• آپات = آباد (۱- آوا - سو ۲- آفا - ز)

• آپاتان = آپادان (۱- آوَدان - ھ - سو ۲- آوان - ار ۳- آفادان - با ۴- آفه دان - ز)

• آپاتانیه = آبادانی (۱- آوَدانی - سو ۲- آوانی - ار ۳- آفانی - با ۴- آفه دانی - ز)

• آپاتیه = آبادی (۱- آوایی - ار ۲- آفاهی - ز ۳- آبادی - ل)

• آپکینگ = آبگینه (۱- آفکینه - ز ۲- آوینه - مک)

• آتور = آتش (۱- آتِر - ار ۲- آوِر - سو ۳- آیِر - ھ ۴- آگِر - گ، ک)

• آخوَر = آخور (۱- آخور - سو ۲- آفر - ز ۳- آوَر - ھ ۴- آھِرّ - ل)

• آخیزیشن = خیزش (آخیز - سو - ار - م)

• آره = آرد (۱- آرد - سو، ار ۲- آر - ز ۳- هاره - ک ۴- ایرد - با)

• آرزوک = آرزو (۱- آرزو ۲- آرزی - ز)

• آرَم = آرام (۱- آرام - سو، ار ۲- آریم - ل ۳- آروم - ف)

• آز = اژدها (هَزیا - ک ۲- زِها - ز)

• آزات = آزاد (۱- آزاد - سو، ار ۲- آزا - ز)

• آزاتیه = آزادی (آزادی - سو، ار)

• آزار = آزار (آزار - سو)

• آسان = آسان (۱- آسان - سو، ار ۲- هاسان - مک ۳- سانا - با ۴- هَسان - ز ۵- هیسان - با ۶- آسو - ن - ل)

• آسانیه = آسانی (۱- آسانی - سو، ار ۲- هاسانی - مک ۳ -

سانامی - با ۴ - هسانی - ز ۵ - هیسانی - با)
• آستانک = آستانه (۱ - آستانه - سو ۲ - آسانه - ار ۳ - آسین - ل)
• آسن = آهن (۱ - آسن - سو ۲ - ار ۲ - هاسن - با ۳ - آہن - ل)
• آسیاو = آسیاب، آسیا (۱ - آسیاو - ار، ل ۲ - آساو - ہ)
• آسین = آهن (۱ - هیسن - ک ۲ - هسن - ز)
• آسین گر = آہنگر (۱ - آسنگر - سو، ار ۲ - هیسنگر - ک ۳ - هاسنگر - ز ۴ - آهنگر - ل)
• آسینین = آہنین (۱ - آسنین سو، ار ۲ - هیسنین - ک)
• آسی یاپ = آسیاب (۱ - آسیاو - ار ۲ - آسیو - ل ۳ - آش - سو، با)
• آشت = آشتی (۱ - آشت - سو ۲ - آشتی - ار ۳ - هاشتی - ز، با)
• آشکارک = آشکار (۱ - آشکار - ار ۲ - آشکرا - سو ۳ - آشکره - ز)
• آشنواک (۱ - اژنوا - ار ۲ - شنوا - ہ)
• آشنوتن = شنیدن، شنودن (۱ - اژنوتن - سو ۲ - اژنفتن - ار ۳ - اژنوین - گ)
• آفتاپ = آفتاب (۱ - آفتاو - ہ ۲ - هتاو - سو ۳ - هفره - ز، با ۴ - افتو - ل)
• آفریتک = آفریده (آفریده - سو)
• آفریتن = آفریدن (۱ - آفرییه - ل ۲ - آفریده کردن - سو)
• آفرین = آفرین (۱ - آفرین - ار ۲ - آفری - ل)
• آفرین گویشنیه = آفرین گوئی (۱ - آفرین گتن - سو ۲ - آفرین وتن - ار)
• آک = آک، بدی (آک - ہ)
• آکاس = آگاه (۱ - آگا - ار ۲ - آگه - سو ۳ - آگاه - ز)
• آکاسیه = آگاہی (آگایی - ار، سو)

• آلک = سو (۱- تک - سو
۲- کن - مک ۳- نک - ک)

• آمتن = آمدن (۱- آمای - ھ
۲- هاتن - سو، ار)

• آموژاک = آموزگار (۱- آموِ
- ژیار - سو ۲- موژیار - ار)

• آموژکار = آموزگار (۱- آموژ
- گار - سو، ار ۲- موچیار - ھ، ار)

• آموژکاریه = آموزگاری (۱-
آموژگاری - سو، ار ۲- موچیاری
- ھ، ار)

• آمیختک = آمیخته (۱- آمیته
- سو ۲- آویته - ار)

• آمیژ = آمیز، آمیخته (آمیژ
- ار، سو)

• آواز = آواز (۱- آواز - سو ۲-
آوازه - ار)

• آوریتن = آوردن (۱- هاوردن
- ار ۲- آورده ی - ھ)

• آویران = ویران (ویران
- ار، سو)

• آهن = آهن (آهن - ل)

• آهنگ = آهنگ (آهنگ -
سو، ار)

• آهنگر = آهنگر (آهنگری -
ل)

• آهنگریه = آهنگری (آهنگری
- ل)

• آهوک = آهو (۱- آهو - ار
۲- آهی - ل ۳- آسک - سو)

• آهین = آهن (۱- آهه - ف
۲- آهن - ل)

• آهینین = آهنین (۱- آهنین
- ل ۲- آسنین - سو)

• آیشن = رسیدن (۱- گیشتن -
سو ۲- گین - ار ۳- گهشتن -
ز ۴- گهیشتن - با ۵- گهاشتن
- ز)

• آینک = آئینه (۱- آوینه
- سو ۲- آینه - ار ۳- آدنه
- ز ۴- نینوک - مک ۵- آئینه
- ل)

• اَبـر = ابر (۱- اَور - ک ۲- هَور - سو، ار)
• اَپاکیه = پاکی (پاکی - سو، ار)
• اَپَخشاپِشن = بخشایش (بَخشایِش - سو، ار)
• اَپَـرتَـر = بیشتر (۱- پـتر- مک ۲- پیتر - ز ۳- فِره‌تـر - ار ۴- فیشتَر - ه)
• اَپَـروِیچ = اَپرویز، پیروز (پیروز - سو، ار)
• اَپَـروِیچیه = اپرویزی، پیروزی (پیروزی - سو، ار)
• اَپَسپارتَن = سپردن، سپاردن (۱- سپارتِن - ز ۲- سپاردِن - سو، ار ۳ سپَردِه‌ی - ه)
• اَپَسپارتار = سپارنده (سپارنده - سو، ار)
• اَپَستام = پناه (۱- پَسیتو - سو ۲- پَنا - ار)
• اَپوس = آبستن (۱- آوِس - سو، ار ۲- آفِس - ز ۳- آور - ۴- ۶- هاوِس - ک ۵- اوِس - ل -)
• اَپیچار = بی چاره (بیچاره - ار - سو)
• اَپیچَک = اَویژه، ویژه (۱- ویِژه - سو ۲- ویچه - ک)
• اَپیزبانَک = بی زبان (بی - زبان - سو)
• اَپیمَسـو = افسر (اَفسَر - ار)
• اَپیوِیناس = بی گناه (۱- بی - گُناه - ار ۲- بی گُنا - سو ۳ - بی گناح - ک)
• اَپیویهانَک = بی بهانه (۱- بی بیانَک - ار ۲- بی بیانو - سو)
• اَچار = ناچار (ناچار - ار، سو)
• اَچارَک = بیچاره (بیچاره - سو، ار)
• اَختَر = اختر (اَختَر - سو، ار)
• اَداتَستان = بی دادستان، بی داتستان (۱- بی دادِستان - سو

۲- بیٚ داد - ار)

• اَداتیه = بی دادی (بیٚ دادی - ار، سو)

• ادانیه = نادانی (۱- نادانی - ار ۲- نَزانی - سو)

• اَدوٚست = نادوست (نه دوٚست - سو)

• اَدوێن = آئین (آیین - سو، ار)

• اَدوێنک = آئینه (۱- آوێنه - سو ۲- آیینه - ار ۳- آدَنه - زل ۴- نَینوٚک - مک ۵- نَینِک - ک)

• اَدیار = یار (یار - سو، ار)

• اَدیاریه = یاری، دستیاری (۱- یاریه - ار ۲- یاری - سو ۳- یاریَق - مک ۴- آری - ز)

• اَدێن = بی دین (بیٚ دین - سو، ار)

• اَدینیه = بی دینی (بیٚ دینی - سو، ار)

• اَرتَخشێر = اردشیر (اَرَدشێر

- سو، ار)

• اَرتیک = کشمکش (چِرّه پیچِک - مک)

• اَرس = اشک (۱- هَرس - ھ ۲- هَرس ۳- اَسر - ل، سو ۴ - هوٚرمیس - ز)

• اَرشک = ارشک، رشک (رژدی - ار، سو)

• اَرغوان = ارغوان (۱- اَرغوان - سو ۲- اَرخوان - ار ۳- اَرغوٗ - زل)

• اَرَک = ارّه (هَرّه - سو، ار)

• اَرماو = خُرما (خُرما - سو، ار)

• اَرویس = ارویس، ریسمان (۱- وریٚس - گ ۲- گُوریٚس - سو ۳- وَریٚس - ھ ۴- گُروێس - ار)

• اَزێر = زیر (۱- ژێر - سو، ار ۲- چیٚر - ھ)

• اَژ = اژدها (۱- اَژدها - سو ۲- هَژدَها - مک)

• اژی = اژدها (۱- اَژی - سو ۲-

اژدیها - ار۳ - اژدِها - ل)

• اژی دَهاک = اژدهاک (۱- اژی دَهاک - سو ۲- اژدَها - ک - ار)

• اَسایا = سایه (۱- سا - ل ۲- سایک - ف ۳ - سَ - ز ۴- سِها - ک ۵ سیَبر - سو ۶ - سیَور - ل) - ار ۷ - سی - با)

• اَسایک = بی سایه (۱- بی - سایک - ف ۲- بی سیَبر - سو)

• اَسپ = اسب (۱- اَسپ - سو، ار ۲- هَسپ - ز ۳- اَسب - ل)

• اَست = است، استخوان (۱- ایستِک - سو ۲- هیَستِک - ک ۳ - هیَسِک - ار)

• اَستخوان = استخوان (۱- سخون - ل ۲- سخان - ف ۳- سوقان - سو ۴ - ایَسقان - ار)

• اَستَر = اَستر، سَتر (۱- ایستِر - سو ۲- اَستِر - مک ۳- هیَستِر - ار ۴ - هَسَر - ۶ ۵ - هیَستر - ز)

• اَستک - استخوان (۱- ایستِک - سو ۲- هیَستی - ز ۳ - هَستی - با)

• اَسمان = آسمان (۱- آسمان - سو، ار ۲- اَزمان - با ۳- آسِمو)

• اَسووار = اسوار، سوار (۱- سوار - ار ۲ - سویار - ز)

• اَشاگِرت = شاگرد (شاگِرد - سو، ار)

• اَشت = هشت (هَشت - سو، ار)

• اَشرمیه = بی شرمی (بیَ شرمی - سو، ار)

• اَشگهان = اژگهان، تنبل (۱- لَشگِران - سو، ار ۲- باپیقان - با)

• اَفچار = افزار (۱- آمراز - مک ۲- اَمراز - سو ۳- مراز - ز)

• اَفراز = افراز (۱- اَفراز - با

۲- آڤواز- ز ۳ هوراز- سو، ار
۴- آڤواز- با)

● اَفروّچ = افروز (اَفروّز
- ار)

● اَفروّز = اَفروّچ

● اَفزار = نیرو (۱- زَبر- سو
۲- هیّز- سو، ار ۳- وِزه- مک
۴- هاز- ک)

● اَفسوّن = افسون (اَفسون-
ار)

● اَفشانتَن = افشاندن (۱-
وَشانِن- ار ۲- وَشاندِن- سو)

● اَلماست = الماس (اَلماس
- سو، ار)

● اَماوَند = نیرومند، ضرورمند
(۱- هَمه وَند- سو ۲- هَمه وَن
- ار)

● اَنار = انار (۱- اَنار- ل ۲-
نار- سو ۳- هَنار- ار ۴- هِنار
- ز)

● اَناوَرمیک = بی آزرم (۱-
بیّ رِیز- سو ۲- بیّ ریو- مک)

● اَنبار = انبار (۱- اَنبار- مک ۲-
هَمار- ار ۳- اَمار- ل)

● اَنجُمَن = انجمن (اَنجُمَن- ار
- سو)

● اَنداچِک = اندازه (۱- اَندازه
- سو ۲- آنازه- ار)

● اَندام = اندام (۱- اَندام-
سو ۲- اَنام- ار ۳- هَندام- مک

● اَندَروّن = اندرون (۱- اَندَ
- رون ۲- ار ۲- هُندُر- سو)

● اَندَروّنیک = اندرونی (۱-
اَندَرونی- ار ۲- هُندُری- سو)

● اَندَک = اندک (۱- هَندِیک
- مک ۲- هِن- با ۳- هِندِک-
ز)

● اَندوّه = اندوه (۱- اَندوّ-
سو ۲- آنو- ار)

● اَندیّشیتَن = اندیشیدن (۱-
اَندیّشین- سو ۲- آییّشین- ار)

● اَنسپاس = ناسپاس (ناسپاس

-سو، ار)

• اَنگوبین = انگبین (۱-هَنگوین
-ار ۲- هَنگوین - سو ۳- هَنگِفین
-ز، با)

• اَنگوست = انگشت (۱- اَنگُست
-سو ۲- اَنگُس - ار ۳- هُنگست
-ز)

• اَنوٚمیٚت = نا امید (۱- ناهُمیٚد-
مک ۲- نااُمید - سو ۳- ناهمیٚ - ار)

• اَور = اَبر (اَور - کٹ)

• اَوزار = افزار، ابزار (اَوزار- ار)

• اَویاتکار = یادگار (یادگار - سو
-ار)

• اَهـوادیه = پارسائی، پرہیزگاری
(هَـویسی - مک)

• اَهـرَو = پارسا (هَـریس -
مک)

• اَهـریمَن = اہریمن (اَهـر
-یمَن - سو، ار)

• اَهـونَر = بی‌ہنر (بیٚ هُنَر
-سو، ار)

• اَیات = یاد (یاد - سو، ار)

• اَیار = یار (یار - سو، ار)

• اَیاری = یاری (یاری - سو، ار)

• اوٚپستیه = پستی، افتادگی ،
گودی (۱- پَستی - سو ۲- پَسّی -
ار)

• اوٚد = آنجا (۱- اَویٚندَریٚ - مک
۲- اَویٚنه - ار ۳- دَراهیٚ - سو)

• اوٚزمایشن = آزمایش (۱- آزمایش
- ار ۲- آزمون - سو)

• اوٚژ = نیرو (۱- تَوتِرم - سو ۲-
گُترم - مک)

• اوٚژتار = کُشنده (کُژیار - سو)

• اوٚژتَن = کُشتن (۱- کُژتِن - سو
۲- کُشتِن - ار ۳- کُشته ی - ھ ۴-
کُشتهِ - ل)

• اوٚستات = استاد (۱- وَستا
- سو ۲- ماموٚستا - مک ۳- اُسا - ا)

• اوٚستاتَن = ایستادن (۱- وِیٚستان
- مک ۲- وَستان - سو ۳- وِیٚسان
- ار ۴- مدرای - ھ)

● اؤستاریشن = پاک کردن، ـ با)
سُترُدَن (۱- اَسترِین - مک
۲- بِسرین - ار، سو)
● اؤسترَتک = استرده، سترده، پاک شده (اَستراو - مک)
● اؤستیّنیتَن = برخیزاندن، بلند کردن (۱- هَلستاندِن - مک
۲- هَستاندِن)
● اؤش = ہُش، ہوش، نیوند (۱- ہوش - سو، ار ۲- ہوش - ک، ل
۳- هش - با)
● اؤشتاپ = اَشتاو، شتاب (هَشتاو - ۲- اَشتاو - ل ۳- پَیله - سو، ار)
● اؤشتر = شُتُر (۱- اوشتِر - ار ۲- وشتِر - سو ۳- هَشتِر - ز)
● اؤشمار = شمار، آمار، ایار (۱- اَزمار - با ۲- هَژمار - ز ۳- ژمار - سو، ار)
● اؤشمارتَن = شمردن (۱- ژمارتِن - سو ۲- ژماردِن - ار ۳- اَژماردِن - ۴)
● اؤشنوتَن = نیوشیدن، شنیدن (۱- اَژنُفتِن - ار ۲- اَژنوین - گ ۳- بِشنَوتِن - ک)
● اؤفتاتَن = افتادن (۱- کَفتِن - ار ۲- کوتِن - سو ۳- کَفتهی - ۴)
● اؤکنو = اکنون (۱- هَنوکه - مک ۲- نِهو - ز)
● اؤمیّت = امید (۱- اُمیّد - سو ۲- هُمیّد - ار ۳- هَویا - مک)
● اؤمیّت وار = امیدوار (۱- اُمیّدوار - سو ۲- هُمیّدوار - ار)
● اؤوام = وام (وام - ار، سو)
● اؤوِن = نابود، بینوا، تهیدست (نَبو - سو)
● اؤه = چنین، چنان (۱- وَها - ار ۲- وا - سو ۳- هوتو - مک ۴- آوا - ک)
● اؤهرمَزد = ہرمزد، اورمزد (۱- اَهورَمزد - سو ۲- هورمز

• اوُزوان = زبان (۱- زُوان - ار ۲- زبان - سو ۳- زمان - ز، با ۴- زو - ل)

• اوُستَن = برخاستن، بلندشدن (۱- هَستان - سو ۲- هَلِستان - مک ۳- هَلسان - ار ۴- هِسایه - ل)

• اوُشتور = اشتر، شُتُر (۱- هیٚشتِر - مک ۲- اوشتِر - ار)

• ایٚ = یک (۱- یه ی - ف ۲- ایٚک - ز ۳- یَک - سو، ار)

• ایٚبار = یک بار (۱- یه ی بار - ف ۲- ایٚک بار - ز)

• ایٚت = این (۱- ایٚد - ۲ ۳ - ای - ل)

• ایٚتَو = ایدر، اینجا (۱- ایٚره - سو، ار ۲- اَیره - ف)

• ایٚتَریه = ایدری، اینجائی (۱- ایٚره یی - سو، ار ۲- اَیره یی - ف)

• ایٚتوٚم = یکتا، تنها، یگانه (۱- ایٚکتا - ز ۲- تاکانه - ار)

• ایٚتوٚن = ایدون، چنین، چنانه (هوٚتوٚ - مک)

• ایٚتوٚنیه = ایدونی، چنین (هوٚ - توٚیی - مک)

• ایٚر = زیر (۱- ژیٚر - سو، ار ۲- جیٚر - ۳)

• ایٚران = ایران، سرزمین آریا - ئیان (ایٚران - ار، سو)

• ایٚرتَر = زیرتر، پائین تر (ژیٚر - تِر - سو، ار)

• ایٚرَنگ = نیرنگ (رَنگ - ار)

• ایٚریک = پیروز، نژاده، آزاده (هیر - ز)

• ایٚریه = آریائی (آری - ار، سو)

• ایٚزم = هیزم (۱- هیٚزم - ۳ ۲- ایٚزِنگ - با ۳- هَژِک - ز)

• ایٚزیتَن = یَزیدن، پرستیدن (یَزِتن - مک)

• ایٚستاتَک = ایستاده (۱- راو - یٚستاو - مک ۲- راوَستاو - سو)

● ایٔستاتن = ایستادن، ماندن ای - ل)

● ایٔنیا = دیگر، وگرنه (۱- اَگینا - سو ۲- دَنا - مک)

● ایٔنیچ = این نیز، این هم (۱- اینه‌چ - گ ۲- اَمه‌چ - ار)

● ایٔو = یک (ایٔک - ز)

● ایٔواچ = آواز (۱- آواز - ار ۲- آوازه - سو)

● ایٔواچکیه = آوازه (آوازه - ار)

● ایٔوار = آوار، ویرانی (۱- آوار - سو ۲- ویٔرانی - ار)

● ایٔوارک = ایواره (۱- ایٔواره - ار، سو ۲- ویٔره گه - ه ۳- ایٔفار - ز ۴- هیٔوار - مک)

● ایٔوارک گاس = ایواره، گاهِ ایواره (۱- ایٔواره گا - ار، سو ۲- ویٔره گه - ه)

● ایٔوبار = یک بار (یه‌ی بار - ف)

● ایٔوتاک = یکتا، تنها (۱- ایٔکتا

● ایٔستاتن = ایستادن، ماندن (۱- راوِیسان - مک ۲- راوَستان - سو ۳- وِیسان - ار)

● ایٔستانیتن = ایستاندن (۱- وِیستاندِن - مک ۲- وَستاندِن - سو ۳- وِیسانِن - ار)

● ایٔستینیتن = ایستاندن (۱- راوِیستاندِن - مک ۲- وَستاندِن - سو)

● ایٔسم = هیزم (ایٔزنگ - با)

● ایٔسم دان = هیزم دان، جای هیزم (ایٔزِنگ دان - با)

● ایٔسمیه = هیزمی، چوبی (۱- هیٔزِمی - ه ۲- ایٔزِنگی - با)

● ایٔشم = خشم (بِشم - ز)

● ایٔشمون - خشمگین (بِشمگین - ز)

● ایٔمیت = امید (۱- اُمیٔد - سو ۲- هُمیٔد - ار ۳- هِمیٔ - ک ۴- هیوا - مک)

● ایٔن = این (۱- اینه - گ ۲-

- ز ۲- یَکتا - سو، ار)

● ایُوتاکیه = یکتائی (۱- ایکتایی - ز ۲- یَکتایی - سو، ار)

● ایُوزوُریه = هم زوری، یگانگی نیرو (۱- یه ی زوُری - ف - ۲- ایک زوُری - ز)

● ایُوسانیه = یکسانی (۱- ایک سانی - ز ۲- یه ی سانی - ف ۳- یَکسانی - سو، ار)

● ایُوک = یک (ایک - ز)

● ایُوک اَدوین = یک آئین، هم آئین (ایک دین - ز)

● ایُوک ایُوک = یک یک، یکایک (۱- ایک ایک - ز ۲- یَک یَک - سو - ار)

● ایُوکانک = یگانه، تنها (۱- ایکامنه - ز ۲- تاکانه - ار، سو)

● ایُوکانکیه = یگانگی (۱- ایکیتی - ز ۲- یَکیتی - سو)

● ایُوکیه = یگانگی (یَکیتی - با)

● ایهرپت = هیربد (۱- هیَربَد - سو ۲- ایربَد - ه)

● ایرُوچ = امروز (۱- ایروُچ - ه ۲- آروُگ - ۳- ایرُوُ - سو، ار)

ب ا

● باد = باد (۱- بای - ل ۲- با - سو، ار، ز ۳- وا - ه ۴- ڤا - با)

● باتک = باده (باده - سو، ار)

● بار = دیوار (دیوار - سو، ار)

● باریک = باریک (باریک - ار، سو)

● بازئ = بازو (۱- بازی - ک ۲- بازو - ار ۳- بازوُ - سو)

● باژ = باژ، باج (۱- باژ - ه ۲- باج - ار، ز)

● باستان = باستان (باستان - ار، سو)

• باغ = باغ (۱- باغ - سو ۲- باخ - ار)

• باغپان = باغبان (۱- باغوان - سو ۲- باخوان - ار)

• بالک = بال * (بال - سو، ار)

• بامک = بامداد (بیان - سو، ار)

• بامیک = درخشان (۱- پروکان - مک ۲- تپروسکان - سو ۳- چریسکان - ار)

• بان = بان، بام (۱- بان - سو، ار ۲- بو - ل)

• بانبیشن = شهبانو، شاهبانو (۱- شاژن - سو ۲- شاشن - گ ۳- شابانو - ار)

• بَجیشن = بخش (۱- بَش - سو، ار ۲- پشک - با ۳- بیش - ف)

• بَچشک = بچشک، پزشک (۱- پزیشک - سو ۲- پزیشک - مک ۳- پزشک - ار)

• بَچشکیه = بچشکی، پزشکی (۱- پزیشکی - سو ۲- پزشکی - ار)

• بَچک = بچه (۱- بَچه - ل ۲- بَچکه - ار ۳- بیچو - مک ۴- وَچه - ک ۵- پچوک - سو)

• بَخت = بخت (بَخت - سو، ار)

• بَخش = بخش (بَخش - سو، ار)

• بَخشیشن = بخشش (۱- بَخشش - ار ۲- بَخشیش - سو)

• بَخشینیتن = بخشیدن (بخشین - سو، ار)

• بَر = بر، میوه (۱- بَر - سو، ار ۲- وَر - کث)

• بَرازیشک = برازش، براز، زیبا (رازاوه - مک)

• بَربوت = بَربَت - نام سازی است (بَربَت - سو، ار)

• بَرگ = برگ (بَرگ -

سو، ار)
• بَرهَمَک = آمیخته (ک ۲- بوُن - سو، ار۳- بین - همه - ل)
• بَریشنیه = آبستنی، بارداری (به تیّشتی - مک)
• بَزِشک = پزشک (۱- پزیشک - سو ۲- پزِشک - ار)
• بَزشکیه = پزشکی (پزیشکی - سو)
• بَزَک = بزه، گناه (بزه - ز)
• بَست = بسته (۱- بَسته - سو ۲- بَسه - ار)
• بَستَک = برده (بَیدَست - سو، ار)
• بَستَن = بستن (۱- بَستن - سو ۲- وَستِن - ک ۳- بَستِه - ل)
• بَلوت = بلوت (۱- بَلی - ل ۲- بَرّو - سو، ار)

• بَوَنیه = بودگی، هستی (۱- بوُین - ک ۲- بوُن - سو، ار ۳- بین - ف)
• بَویه = بودگی، هستی (۱- بوُین - ک ۲- بی یه - ل)
• بَهانَک = بهانه (۱- بیانَک - ار ۲- بُنه - ل ۳- بَهانه - سو)
• بَهرام = بهرام، ستاره‌ی بهرام (بارام - سو)
• بَهرَک = بهره (۱- بَهره - سو ۲- بَره - ار ۳- بُهر - با ۴- بَهر - ز)
• بهره مَند = بهره‌مند (بَهره‌مَند - سو)
• بَهره مَندیه = بهره‌مندی (۱- بَهره مَندی - سو ۲- بَهره مَنی - ار)
• بَهره وَر = بهره‌ور (۱- بَهره وَر - سو ۲- بَرّوَر - ار)
• بَهره وَریه = بهره‌وری، بهره‌مندی (بَهره وَری - سو

● بِرات = برادر (۱- بِرا- سو، ار ۲- بِرار- ل)

● بِراتُک = دوست، ہمدم، آشنا (بِرادَر- سو، ار)

● بِراتیہ = دوستی، آشنائی، (بِرادَری- سو، ار)

● بِرازیاگ = براز، آراستہ، زیبا (۱- رازیاگ- ار ۲- رازاوہ- مک ۳- رازیاوہ- سو)

● بِراہ = روشنائی، درخشندگی (۱- روف- سو ۲- رؤناھی- با)

● بِرَوَد = ابرو (۱- بِروؤ- ار ۲- اَبروُ- سو ۳- بِروم- ل)

● بِروی = ابرو (بِروؤ- ار)

● بِریتَن = بریدن (۱- بِرّین- سو ۲- وِرّین- ک)

● بِریشتَک = برشتہ (بریُشتہ- ج)

● بِرینُک = تیکہ، پارچہ (۱- ژنیک- با ۲- تیکہ- سو، ار)

● بِرِیہِیِتاد = پدید آورندہ، آفرینندہ (داھینّ- سو)

● بؤد = بوی، بو (۱- بؤ- ار ۲- بؤن- سو ۳- بیِن- مک ۴- بو- ل)

● بؤستان = بوستان، بستان (۱- بیستان- سو ۲- بیسان- ار ۳- بَستیّ- با)

● بؤستان پان = بوستانبان، بستانبان (بسّتانہ وان- سو)

● بؤی = بوی، بو (۱- بؤ- ار ۲- بوھن- ز)

● بوُت = بُت (۱- پوت- ز ۲- بِت- سو، ار ۳- بُت- ج)

● بوُتَن = بودن (۱- بوُن- سو، ار ۲- ب یہ- ل)

● بوراک = بُرندہ، بُرا (۱- بِورّ- ار ۲- بِبِرّ- سو ۳- بِرّوک- مک)

● بوُرتَن = بردن (۱- بِہرِدن-

ار، سو ٢- بَرده‌ی ٩)

● بوُرز = بزرگی، گرامی، ارجمندی (ریِز - سو)

● بوُرزێیشن = بلندی (١- بَرزێتی - سو ٢- بَرزی - ار، ل)

● بوُریتَک = بریده (١- وِرِیاک - ک ٢- بِرّیاک - ار ٣- بِرّاو - سو، مک)

● بوُریتَن = بریدن (١- وِرّین - ک ٢- بِرّین - سو، ار)

● بوُز = بُز (١- بوز - ل ٢- بِز - هو ٣- بِزِن - سو، ار ٤- بِزه - ز)

● بوُزی نَر = بُز نَر (١- نَرّه بوُز - ل ٢- بِزنی نێر - سو، ار)

● بوُلَند = بلند (١- بِلِند - سو ٢- بلَن - ار ٣- بِلِنگ - ل ٤- لَند - مک)

● بوُلندیه = بلندی (١- بلندی - سو ٢- بِلَنی - ار ٣- بُلِنگی - ل)

● بوُم = بوم، میهن (بوُم - ار، سو)

● بوُن = بُن (١- بوُن - ل ٢- بِن

- ار، سو)

● بیژۆن = بیرون (١- بیژون - سو ٢- بیرون - ل)

● بیژۆنیک = بیرونی (١- بیژونی - سو ٢- بیرونی - ل)

● بیێسوداریه = سرداری، سروری (سرداری - سو، ار)

● بیێش = درد، آزار (ایێش - ار، سو)

● بیێشت = رنجور (ایێشدار - سو)

● بیێشیه = زبانه‌ی آتش (١- پَشک - ز ٢- پِریشک - سو ٣- پِریسک - ل)

● بیگانک = بیگانه (بێگانه - سو، ار)

● بیێل = بیل (١- بێل - ار ٢- بێرک - سو)

● بیێه = به، میوه‌ی به (١- بیه - ل ٢- بَی - ار ٣- بَهیٚ - سو ٤- بیٚ - مک ٥- بِه - ز)

● بیست = بیست (١- بیست - اسو ٢- بیس - ار)

● بیستک - پسته (پسته - ار ۲- دفن - با)
● بیم = بیم، ترس (بیم - سو)
● بینیک = بینی (۱- بیهقل - ز
● بیهان = بهانه (بیانو - سو)
● بیهانک = بهانه (بیانک - ار)

پا

● پاتار = پشتیبان، یاور، نگهبان (۱- پارازو - مک ۲- پارتیزَ - ر - سو)
● پاتخشا = پادشاه (۱- پادشا - سو ۲- پاشا - ار)
● پاتخشاییه = پادشاهی (۱- پادشایی - سو ۲- پادشایی - ار)
● پات داشن = پاداشن، پاداش (۱- پاداش - سو ۲- پاداشت - ار)
● پات زهر = پادزهر، فادزهر، بادزهر (۱- پازار - سو، ار ۲- پازهر - ل)
● پاتشا = پادشاه (پادشا - سو)
● پاتن = نگهداری کردن (۱- پاراز - تن - ار ۲- پاراستن - سو)
● پاتیز = پائیز (۱- پاییز - سو، ۲- پاییز - ار ۳- پَهیز - ز)
● پاچن = پازن، بزکوهی (بزنه - کیفی - ار)
● پاد = پا، پای (۱- پا - ار ۲- پی - سو)
● پادک = پایه، پله (۱- پا - ار ۲- پایه - سو)
● پار = پار، پارسال (۱- پار - سو، ل، ز ۲- پارکه - ار)
● پارک = پول (پاره - سو)
● پاس = پاس، پاسبانی (پاس - ار، ل)
● پاسپان = پاسبان، نگهبان (۱- پاسه وان - ار، سو ۲- پهقان - با)
● پاسپانیه = پاسبانی (۱- پاسه وانی - ار، سو ۲- پهقانی - با)

● پاشنَنک = پاشنہ (۱- پاژنہ -سو، ار ۲- پاژنو- مک ۳- پاشنو -ل ۴- پہنی- با)

● پاکث = پاک (پاکث- سو)

● پاکث خواریشن = پاکث خوار، کسی کہ تمیز خوراک خورد (۱- پاکث -خوَر- ار ۲- پاکث خوَر- سو)

● پاکینیتَن = پاک کردن (۱- پاکث کِردِن- سو ۲- پاکث کَر -دہ ی- م)

● پاکیہ = پاکی (پاکی- سو، ار)

● پادییتَن = پالائیدن، پالودن (۱- پاڈوتِن- سو ۲- پالافتِن- ار)

● پادیشن = پادیش، پالودن (۱- پالیِن- ار ۲- پالاندِن- سو)

● پالوت = پالودہ، فشردہ شدہ (۱- پالودتہ- سو ۲- پاڈوتہ- ار)

● پالوتک = پالودہ، فالودہ (پالودہ- ار)

● پانزدہ = پانزدہ (۱- پانزہ- سو، ار ۲- پانزدہ- سو)

● پانزدَہُم = پانزدہم (۱- پانزہُم -ار ۲- پانزدہَم- سو)

● پاو = پاو، پاکث (پاکث- سو)

● پای = پای، پا (۱- پا- ار، ل ۲- پیٚ- سو)

● پایان = پایٔہ، پاٰ (۱- پاکان- ار ۲- پیٚ یان- سو)

● پائیک = پایہ (پاییہ- سو)

● پاییٚن = پائین (پایین- سو)

● پَتکار = پیکار (پیکار- ار، سو)

● پَتکیہ = نیرو (کوتکی- با)

● پَتمان = پیمان (پیمان- سو)

● پَتمانک = پیمانہ، اندازہ (پیمانہ -سو)

● پَتموتَن = پیمودن، اندازہ گرفتن (پیٚوان- سو)

● پَتموختَن = پوشیدن (پوشین -سو، ار)

● پَتواچ = پاسخ (بَرپَرچ- سو، ار)

● پَتوکث = نیرومند، توانا (۱-

بەتوک - مک ۲ - بەتین - سو)

● پتیرفتن = پذیرفتن . (پژیراندن - سو)

● پتیمار = پشتیبان، یاور (۱- پارێزەر - سو ۲ - پارازۆ - مک)

● پچیتن = پزیدن، پختن (۱- پژاندن - ار ۲ - پزین - سو)

● پد = پی، رگ سفید (پی - سو)

● پداچ = پیاز (۱- پیواز - مک ۲ - پیاز - سو ۳ - پیڤاز - ز)

● پدێ رویشنیه = پیادەروی (پیادەروی - ار)

● پر = پر (پڕ - سو، ار)

● پرچین = پرچین، خاربست، برهون (۱- پرچین - ار ۲ - پەرژین - سو ۳ - پرچی - ل)

● پرچینک = پرچین دار، کنارەدار (۱- پرچین دار - ار ۲ - پرچی دار - ل)

● پردک = پردە (پردە - سو، ار)

● پرست = پرستندە، ستایش کنندە (پرستار - سو)

● پرستن = پرستیدن (پرستن - سو)

● پرستوک = پرستو، چلچلە (۱- پلیسکر - ل ۲ - پرەسیلکە - سو ۳ - پلیسر - ک ۴ - پلیسوک - ار)

● پرکان = پلە، پلکان (۱- پلیکانە - سو ۲ - پێ پلیکانە - مک ۳ - پاپلیکانە - ار)

● پرندەک = پرندە، مرغ پرندە (۱- پرندە - ل ۲ - پرنە - ار ۳ - فرندە - سو ۴ - پلەور - مک)

● پرور = پردار، بالدار (۱- پردار - ار ۲ - پرور - سو)

● پروردار = پروردگار، پرورانندە (۱- پروردگار - ار ۲ - پروردیار - سو)

● پرورتک = پروردە (پروردە - ار، سو)

● پرونج = پروین، پروە، پرو.

(۱- پَروین - سو ۲- پیڑو - مک)

● پَریتن = پریدن، پرواز کردن (فِرّین - ار، سو، ز)

● پَروێر = پرپروز (۱- پَروێر - ل ۲- پَریۍ - گ ۳- پیڑۍ - سو)

● پَریش = پریش، پریشان (۱- پَرێش - ار ۲- پَرێشان - سو)

● پَریک = پری (۱- پَری - سو، ار ۲- زَری - ز)

● پَریکان = پریان، پری‌ها (۱- پَریه کان - ار ۲- پَری یان - سو)

● پَرێنگه = فیروزه (پیروزه - سو، ار)

● پَسځو = پاسخ (۱- پاسُخ - سو ۲- پاژُخ - ار ۳- پَرسیف - ز)

● پَسَند = پسند (۱- پَسَند - سو ۲- پَسَن - ار ۳- پِسَن - ل)

● پَسَندیتن = پسندیدن (۱ - پَسَندان - سو ۲- پَسَند کردن - ار)

● پَسۍ = گاو و گوسفند (۱- پَس - ل ۲- پَز - سو، ار)

● پَښێمان = پشیمان (۱- پَښیمان - ار ۲- پَڅیوان - سو)

● پَسێن = پسین، روز پسین (پَسلون - سو)

● پَښم = پشم (۱- پَښم - ار، سو ۲- پَڅم - و)

● پَښێمان = پشیمان (پَښیمان - ار)

● پَښێمانیه = پشیمانی (پَښیمانی - ار)

● پَمبک = پنبه (۱- پَمّه - ل ۲- پَمبه - گ ۳- پَمبی - با ۴- پَمه - ار ۵- پَمو - سو ۶- پَمبک - ز)

● پَمبکێن = پمبه ای (۱- پَمبه یین - گ ۲- پَمه یي - ار ۳- پَمویي سو)

● پَناه = پشت و پناه (پَنا - سو، ار)

● پَنج = پنج (۱- پَنج - ار ۲- پێنج - سو)

● پنجاه = پنجاه (پَنجا - سو)

● پَنج سَت = پنج سد، پانسد (۱- پَنج سَت - مک ۲- پَنج سَد - ار ۳- پینج سَد - سو)

● پَنجَک = پنجه ی دست (۱- پَنجَک

-ک ۲- پَنجه - ار، سو)

● پَنجُم = پنجم (۱- پَنجُم - ار ۲- پَنجَم - سو)

● پَنچوم = پنجم (پَنجُم - ار)

● پَند = پند، اندرز (۱- پَند - سو ۲- پَن - ار)

● پَندنامَک = پندنامه، اندرزنامه (پَندنامه - سو)

● پَنیر = پنیر (۱- پَنیر - سو ۲- پَنیر - ار)

● پَنیه = پستی، فرومایگی (۱- پَنی - ار ۲- پِنّی - ل)

● پَهریچ = پرهیز (۱- پَرهیز - ل ۲- پَرهیز - سو ۳- پارینز - ار ۴- پَهرییز - ز)

● پَهلوک = پهلو، کنار (پالُ - سو، ار)

● پَهن = و پهن (۱- پَهن - ز ۲- پیَن - ک ۳- پان - ار، سو)

● پَهنای = پهنائی (۱- پَهنایی - ز ۲- پانایی - سو، ار)

● پَی = پی، دنبال (پَی - ار، سو)

● پَیتاک = پیدا، هویدا، آشکار (۱- پَیدا - سو ۲- پَیا - ار ۳- پیا - ل)

● پَیتام = پیتام، پیغام (۱- پَیتام - ک ۲- پَیام - سو ۳- پَیغام - ار)

● پَیتامبَر = پیغمبر، پیامبر (۱- پَیتامبَر - ک ۲- پَیغَمبَر - ار، سو)

● پَیتمبَر = پیغمبر (۱- پَیغَمبَر - ار، سو ۲- پَیغَمبَر - ار)

● پَیکان = پیکان، سرتیر (۱- پَیکان - ار ۲- پَیکار - سو)

● پَیوَند = پیوند، بستگی (پَیوَند - سو)

● پیاتَک = پیاده (۱- پِیاده - ار سو ۲- پَیا - ز ۳- پَیار - ک)

● پوْچَک = پوزه، پوز (۱- پوْزه - سو ۲- پوْز - ز ۳- پھوْز - ار)

● پوْختَن = پختن، پزیدن (۱- پَختَن - ز ۲- پَهتَن - با)

● پوْست = پوست (۱- پوْست - سو ۲- پوْس - ار ۳- پیست - مک)

● پوٚسیتَن = پوشیدن (پوٚشین ـ سو)

● پوٚلاٹ = پولاد ، فولاد (پوٚلاٚ ـ سو ، ار)

● پوٚلوتیٚن = پولادین (پوٚلادین ـ سو ، ار)

● پوُتَک = پوسیده ، پوده (۱ـ پوٚرتِکاو ـ سو ۲ـ پُوتُکیاگ ـ ار ۳ـ پُواو ـ مک)

● پوُر = پُر ، انباشته (۱ـ پِرٚ ـ ار ، سو ۲ـ پُر ـ ل)

● پوُردار = پردرخت ، پُردار (پِرٚدار ـ سو ، ار)

● پوُرسیتار = پُرسنده (پِرسیادکار ـ سو)

● پوُز = پوز ، پوزه ، پیرامون دهان (پوٚز ـ ز)

● پوُس = پسر (۱ـ پِس ـ ز ۲ـ پِز ـ مک)

● پوُسدان = زِہدان ، بچه دان (۱ـ پِسدان ـ ز ۲ـ پِزدان ـ مک)

● پوُشت = پشت (۱ـ پِشت ـ سو ، ار ۲ـ پُشت ـ ل)

● پوُشتیٚپان = پشتیبان ، کمک (پِشتیوان ـ سو ، ار)

● پوُل = پول (۱ـ پوٚل ـ سو ، ار ۲ـ پیل ـ ل)

● پوُهر = پُل (۱ـ پِر ـ ز ۲ـ پِره ـ سو ، ار ۳ـ پِردی ـ ۲۴ـ پُوت ـ گ)

● پوُهل = پُل (۱ـ پیٚل ـ ار ۲ـ پیل ـ ل)

● پیٚتامبَر = پیامبر ، پیغامبر (پَیامبَر ـ سو)

● پیٚچیتَن = پیچیدن (۱ـ پیٚچان ـ سو ۲ـ پیٚچیان ـ ار)

● پیٚراموٚن = پیرامون ، گرداگرد (پاپِموٚ ـ ل)

● پیٚروٚچ = پیروز ، فیروز (پیروٚز ـ سو)

● پیٚروٚچیه = پیروزی ، فیروزی (پیروٚزی ـ سو)

● پێستان = پستان ، چُچو
(۱- پسو - ل ۲- پێسیر- ز)
● پێش = پیش ، نزد ، جلو (پێش - سو)
● پێشانیک = پیشانی (۱- پێشانی -کث ۲- آنی - ز ۳- اَنی - با)
● پێشتَو = پیشتر ، جلوتر (۱- پێشتِر - ار ۲- پێشوتر- سو)
● پێشگاس = پیشگاه (پێشگا- ار)
● پێشَک = پیشه ، کار (۱- پێشه - ار ۲- پیشه- سو)
● پێشوّپای = پیشوا ، رهبر (پێشوّا - سو)
● پێشێنیکان = پیشینیان (۱- پێشینیان- سو ۲- پێشینان - ار)
● پێشیه = پیشی ، جلوی
(پێتی - سو)
● پَیک = پَیک (پَیک - سو)
● پیخک = گره ، گره چوب (خَوبوّک -گ)
● پیروّزک = پیروزه ، فیروزه (پیروّزه - سو ، ار
● پیریه = پیری (۱- پیری - ار ۲- پیریَتی - سو)
● پیل = پیل ، فیل (فیل - ار ، سو)
● پیم = پیه ، چربی (۱- پیم - مک ۲- پی - ار)
● پیه = پیه (۱- پی - سو ، ار ۲- پی یه - ل)
● پیهَن = خوراک ، خوُال ، خوردنی (۱- پی خوّر - سو ۲ - پی خوَر - ار)
● پیهو = پیه (پیو - سو)

تا

● تاپستان = تاستان (۱- تاوستان -ک ۲- تاوسان - ار ۳- تاوِسو - ل)
● تاپک = تاوه ، تابه ، ماهی تابه (۱- تاوه - ار ، سو ۲- توّوَ - ل)
● تاجیک = تازی ، عرب (تاچیک-

سو)
● تاچانک = تازانه، تازیانه (
تاژانگ - ز)
● تاختک = تخته (تخته - سو، ار)
● تار = تار، تاریک (تار - ل، ھ)
● تاریک = تاریک، تیره، تار (
تاریک - سو)
● تاریکیه = تاریکی (تاریکی - سو)
● تازک = تازه (۱- تازه - سو
۲- تازی - ز)
● تاشیتن = تراشیدن، بریدن
(۱- تاشین - سو ۲- تراشین - ک
۳- تاشنه - ل)
● تاک = تا، تااینکه (۱- تا -
ار ۲- ھتاکو - سو)
● تالمن = دالمن، دال (۱-
دال - سو، ار ۲- داتوش - مک)
● تاوان = تاوان (تاوان - سو
، ار ۲- تاوون - ل)
● تپ = تاب، گرما (۱- تاویسو
، ار ۲- توْ - ل)

● تپر = تبر (۱- تور - ار ۲-
تفر - ز ۳- تبر - ھ)
● تپرزت = تبرزد، نبات
(تبرزد - ھ)
● تتن = بافتن (تنین - سو)
● تخت = تخت، اورنگ (تخت
- سو، ار)
● تخل = تلخ (۱- تحل - با، ز ۲-
تال - سو، ار ۳- تل - ل)
● تخلنیه = تلخی (۱- تحلی - با، ز
۲- تلی - ل)
● تر = تر، تازه (تڑ - سو)
● ترازوک = ترازو (۱- ترازو
- سو ۲- ترازو - ار ۳- ترازی
- ل)
● ترازینیتن = ترازکردن، اندازه
گرفتن (۱- ترازکردن - ار ۲-
ترازکردم - ل)
● ترس = ترس، بیم (ترس
- سو، ز)
● ترساک = ترسا، عیسوی

(تَرسا - ار)

● تَرسیتَن = ترسیدن، بیم داشتن (۱- تِرسیان - ار ۲ - تِرسان - سو، ز)

● تَرَک = تره، سبزی خوردنی (تَرّه - سو)

● تَرگمان = ترجمان (۱- تَرجمان - سو، ز ۲- تَرجِمان - ار)

● تَشت = تشت (تَشت - سو، ار، ز)

● تَک = تک، تنها (۱- تَک - ار ۲- تاک - سو)

● تَگَرگ = تگرگ (۱- تَگِرگ - ف ۲- تَگِر - ل ۳- تَوَرگ - سو ۴- تَوزه - ار)

● تُلَک = تله، دام (۱- تَلّه - سو، ار ۲- تَله - ل ۳- تالِه - ز)

● تَم = تاریکی (تَم - سو، ار)

● تَمبور = تنبور (۱- تَمبوره - مک ۲- تَموره - سو)

● تَن = تن، کالبد (تَن - سو)

● تُنبور = تنبور (۱- تُنبور - ز ۲- دَموره - ار)

● تَنبورَک = تنبور (۱- تَموره - ک ۲- تَنبور - ز)

● تَندروست = تندرست (۱- تَندُرست - سو ۲- تَندُرِس - ار)

● تَندروستیه = تندرستی (۱- تَندُرستی - سو ۲- تَندُرسی - ار)

● تَن‌کَرتیه = تنی، جسمانی (تَنی - سو)

● تَنگ = تنگ (تَنگ - سو)

● تَنگیه = تنگی، سختی (تَنگی - سو)

● تَنور = تنور (۱- تَنور - ار ۲- تَندور - سو، ز ۳- تَنیر - ل)

● تَنومَند = تنومند (تَنومَن - ار)

● تَنیّ = تنها (۱- تَنیّ - مک ۲- تَنی - ار)

● تَنیها = تنها (۱- تَنیا - ار ۲- تَنها - سو)

● تِرِوش = تُرش (۱- تِرش - سو ۲- تُرش - ار)

● تیروفتار = دزد، چپاول گر (تَریدہ - سو)

● تئو = تو (۱ - تئو - سو ۲ - تو - ار ۳ - تَہ - ح ر)

● تئوپ = توپ پارچہ (تئوپ - سو، ار)

● تئوم = تخم، تخمہ (۱ - تئوم - مک ۲ - تئو - سو ۳ - توم - ار ۴ - تویم - ک)

● تئوهم = تخمہ، تخم (۱ - تویم - ک ۲ - تُخم - ل ۳ - تئوف - ز)

● تئوخشیتن = کوشیدن، کوشش کردن (تی کوشین - سو)

● تئورک = تورہ، شغال (۱ - تورک - ز ۲ - تئیرو - مک ۳ - تئوری - با)

● تئوروک = تولہ، تولہ سگ (۱ - توتک - ار ۲ - توتہ کولہ - ح ۳ - تیلہ - ل)

● تئوشک = توشہ، بدروہ (۱ - تئوشہ - ار ۲ - توشہ - ل ۳ - توئیشو

- سو)

● تئوف = تُف، آب دہان (۱ - تِف - سو، ار ۲ - تُفکہ - ل)

● تئون = تون، گلخن (۱ - تون - سو ۲ - تین - ل)

● تئوشدیہ = تندی، تُرندی (۱ - تُندی - سو ۲ - تُنی - ار)

● تئونوک = تَنک، نازک (۱ - تَنک - سو، ار ۲ - تئونک - ل)

● تئوانیہ = توانائی (توانایی - ار، سو)

● تیژ = تیز، بُران (۱ - تیژ - ار ۲ - تیژ - سو ۳ - توژ - ز)

● تیغ = تیغ، شمشیر (۱ - تیغ - ار ۲ - تیغ - سو ۳ - تیخ - ک، ل)

● تیر = تیر، چوبہ ی تیر (تیر - ار)

● تیشتک = تشتک، تشت کوچک (۱ - تَشتک - ک ۲ - تشتو لکہ - سو)

● تیشک = تش، تیشہ (۱ - تیشہ - ح ۲ - تریشتہ - ار ۳ -

تَشوئ - سو)
● تیشنَک = تشنہ (۱- تِشنه-ل ۲-تَشرنہ -ھ ۳- تی - سو ۴-تینو - مک ۵ تینِک - ار ۶- تِھن- ز)
● تیشنَکیه = تشنگی (۱- تِشنه یِی - ل ۲- تِھنی - ز ۳- تِش - نه یِی - ھ ۴- تینوِی - مک)
● تیگ = دیگ (۱- دیگه - ل ۲- تیکله - ار)
● تیھوک = تیھو (۱- تی - ل ۲- تَیھو - ار)

جا

● جام = جام، پیاله (۱- جام - سو ۲- جُم - ل)
● جامَک = جامه (۱- جِلک - سو ۲- جومه - ل)
● جان = جان (۱- جان - ز ۲- جِر - ل)
● جانوَر = جانور، جاندار (۱- جانوَر - سو، ار ۲- جِناوِر - ز)
● جانوک = زانو (۱- چوک - ک ۲- وِژنَک - ار ۳- اَژنو - مک ۴- زونی - ل)
● جاوَر = بار، دفعه (جار - ار، سو)
● جاویتان = جاویدان (جاویدان - ھ)
● جَم = جم، جمشید (جَم - ھ)
● جَندیتَن = جنبیدن (۱- جولان - سو ۲- جِمان - ک)
● جَندینیٖنیتَن = جنباندن (۱- جولوندِن - سو ۲- جِمانِن - ک)
● جَنگ = جنگ، نبرد (جَنگ - ار، سو)
● جَھیتَن = جهیدن، جستن (۱- قُجِنقین - ز ۲- جُستِہ - ل)
● جَھیک = جنده، روسپی (۱- جِنده - مک ۲- جِنّه - ار، ل)
● جَھیک کاریه = روسپی گری (جِنّه کاری - ار)

● جۆی = جوی، جوی آب (۱- جۆی - مک ۲- جو - ز، ل ۳ - جۆگه - سو ۴- جۆله - ار)

● جومبیتن = جنبیدن (۱- جمین - سو ۲- جمیان - ار)

● جومبیشن = جنبش (۱- جمِس - ار ۲- جمِشت - ل ۳- جوله - سو)

● جووال = جوال، گوال (۱- جۆال - ل، ز ۲- جَوالّ - سو، ار)

● جووان = جوان، برنا (۱- جُوان - ار ۲- جوان - سو ۳- جوو - ل)

● جووانیه = جوانی (۱- جُوانی - ار ۲- جوونی - ل ۳- جوانی - سو)

● جنیه = روسپی، زن بدکار (۱- جِنّه - ار، ل ۲- جِنده - سو)

● جیگر = جگر (۱- جِگِر - ل ۲- جَگَر - ز ۳- جَرگ - سو، ار)

● جیواک = جا، جایگاه (۱- جیگا - سو ۲- جا - ار، ل)

چا

● چاتور = چادر (چادِر - ار، سو، ل)

● چار = چاره (۱- چار - مک ۲- چاره - ار، سو ۳- چِهره - ز)

● چارپای = چارپا، چهارپا (۱- چارپا - ل ۲- چوارپا - ار ۳- چوارپێ - سو)

● چاروک = چارو، ساروج، آهک (جاڕو - سو)

● چاروکێن = ساروجین، آهکی (جاڕوین - سو)

● چاشت = چاشت (۱- چاشت - ار ۲- تاشت - ز)

● چاشتیار = آموزگار (۱- آمۆژیار - ک ۲- مۆچیار - ار)

● چاشیشن = مزه (۱- چِشه - ک ۲- چِشکه - ار، سو)

● چاه = چاه، چاله (۱- چا - ل

۲- چالْ - سو، ار)

● چَترَنگ = شترنج (۱- شَـترَنگ - مک ۲- شَترَنج - ار ۳- شَترِنج - سو)

● چَخرواک = چرخ، چرغ، نام پرنده ئی است شکاری (چَرخ - ل)

● چَرائیتیک = دختر (۱- کَنیک - گ ۲- کَنیشک - ار ۳- کِچ - سو ۴- کَچ - با ۵- کِناچه - ۶)

● چَرب = چرب، روغن دار (۱- چَرم - ل ۲- چَور - سو، ار)

● چَرپیه = چربی (۱- چَرمی - ل ۲- چَوری - سو، ار)

● چَرز = چرز، هوبره (۱- چِرک - ز ۲- چِرگ - مک ۳- چیَرگ - سو)

● چَرَک = چراگاه (۱- چَر - ل ۲- چَرا - ار ۳- چیَرَکه - ز ۴- لَـوَرّ - سو)

● چَرم = چرم (چَرم - سو، ار)

● چَرمیَن = چرمین، چرمی (چَرمین - سو)

● چَشم = چشم (۱- چَش - ل ۲- چَم - ۶ ۳- چهَف - با ۴- چاو - سو، ار ۵- چاف - ز)

● چَشمَک = چشمه (۱- چَشمه - ل ۲- چَمه - ۶ ۳- چاوکه - ار ۴- سَرچاوه - سو)

● چَشمَکیه = دارائی، توانگری (بوَچک - با)

● چَشیمَن = چشیدن (۱- چَستِن - ار ۲- چِشـتِن - سو ۳- چَشتِه - ل)

● چَکا = چکاو، چکاوک (۱- چُرَه - سو ۲- جُرَه - ار)

● چَکوچ = چکوچ، چکش (۱- حُکچ - سو ۲- چَکش - ار)

● چَمبَر = چمبر، چنبر (۱- چَمبَر - سو ۲- چَمَره - ار ۳- چَمبِل - ز)

● چَمیش = چمین، چامین، شاش (۱- میز - ار ۲- میز - سو)

● چَهار = چهار (۱- چار - ل، ز ۲-

چِهار ـ کَ ۳ ـ چوار، سو، ار)

● چَهارپاه = چهارپای، چارپا (۱ ـ چارپا ـ ل ۲ ـ چوارپا ـ ار)

● چَهارپای دار = چاروادار (چاروادار ـ ار)

● چَهارپَتیشتان = چهارپا، چارپا (۱ ـ چوارپێ ـ سو ۲ ـ چاروا ـ ار)

● چَهارده = چهارده (۱ ـ چارده ـ ل، ز ۲ ـ چوارده ـ ار، سو)

● چَهاردَهُم = چهاردهم (۱ ـ چاردَهُم ـ ل ۲ ـ چواردَهم ـ سو)

● چَهارسَت = چهارسد (۱ ـ چوارسَت ـ مک ۲ ـ چوارسَد ـ ار ۳ ـ چارسَد ـ ل)

● چَهارشومبَت = چهارشنبه (۱ ـ چارشَمه ـ ل ۲ ـ چوارشَمبه ـ مک ۳ ـ چوارشَمه ـ ار، سو ۴ ـ چارشَمب ـ با ۵ ـ چارشَم ـ ز)

● چَهارگوش = چهارگوش (سو، چهارگوشه (۱ ـ چارگوش ـ ل ۲ ـ چوارگوشه ـ ار، سو)

● چَهارماهَک = چهارمایه (۱ ـ چوارمانگه ـ ار، سو ۲ ـ چارمایه ـ ل)

● چَهَل = چهل (۱ ـ چِل ـ سو، ار ۲ ـ چَل ـ ز)

● چوپ = چوب (۱ ـ چول ـ ل ۲ ـ چو ـ ار ۳ ـ چیو ـ سو)

● چور = چور، نام پرنده‌ئی است (چور ـ مک)

● چیر = چیر، چیره (چیره ـ مک)

● چیریه = چیری (چیره یی یک)

● چیگون = چگونه، چون (۱ ـ چاوان ـ ز ۲ ـ چلون ـ سو ۳ ـ چون ـ ار)

● چیگونیه = چگونگی (۱ ـ چلونی ـ سو ۲ ـ چونیتی ـ مک ۳ ـ چو ـ نیتی ـ ار)

● چینیشن = چینش، چیدن، برگزیدن (۱ ـ چنین ـ سو، ار ۲ ـ چیینه ـ ل)

● چیرکین = چرکین (۱ ـ چوکن

-ل ۲- چلکن - سو، ار)

● چیش = چیز (۱- چِشت - گ
۲- تِشت - ز ۳- شِت - سو ۴-
چِت - ار ۵- چی - ل)

● چیکامک = چکامه (چکامه-
سو، ار)

● چیم = چَم، آرش، معنی (۱- چَم
-ار ۲- چِم - گ)

● چینار = چنار، درخت چنار (
چِنار - سو، ار)

● چینَنک = دام، تله (چَنبَر-
ز)

● چینیَوَر = پُلِ چینوَد، پُلِ
چینوَت - پُلِ صراط را گویند - که در
فرهنگهای فارسی چنود و چنیود و
چنیواد نیز آمده (۱- چینوَت - ۲-
پِردیوَر - گ)

● چیهر = چهره (۱- چِهرَه - ار ۲-
چِہرَ - ک ۳- چاره - سو ۴-
چِهرَه - ز)

خا

● خاستَن = برخاستن، بلند شدن
(۱- هَستان - سو ۲- هَلِّسیان -
ار، ک)

● خاک = خاک (۱- خاک -
سو، ار ۲- آخ - ز)

● خاکیستَر = خاکستر (۱- خاکسَ
-ل ۲- خوَلَه کَوُ - ار ۳- خُلی - با
۴- خِولِی - ز)

● خامَک = خامه، کِلک، نال
(خامه - سو، ز)

● خان = خوان، سُفره، شیدان
(۱- خُوان - ار ۲- خوان - سو)

● خانَک = خانه (۱- خانِک - مک
۲- خانه - ل ۳- خانو - سو ۴- یانه
-۵ ۶- خانی - ز ۶- خانا - با)

● خاهَر = خواهر (۱- خُوَر - ل
۲- خوَیشِک - ار ۳- خُشک - سو)

● خَر = خر، الاغ (۱- خَر - ل
۲- کَر - سو، ار)

● خَراج = خراج، باج (خَواج -

-سو، ار، ز)

● خَربوزَک = خربوزه، خربزه
(۱-خَرویزه-ل ۲-خَروزه-ف)

● خَرگوٚش = خرگوش (۱-گرو
-ێشک-سو ۲-گورێشک-ار
۳-هورێشه-گ ۴-کێفروٚشک
-ز ۵-خَوگوش-ل)

● خَرماو = خرما (۱-خُرما-
ار، سو ۲-خُرمه-ز)

● خَریتار = خریدار (کرّیار-مک

● خَریتَن = خریدن (۱-کرّین-
مک، سو ۲-خِرین-ل)

● خَفَک = خفه، بدار آویخته
(خَفه-سو، ار)

● خَندیتَن = خندیدن (۱-خَنین
-ک ۲-خَنبِسه-ل ۳-کَنین-
ار، سو)

● خَیوک = خیو، تف، آب دهان
(۱-خوٚریس-ز ۲-خُزی-مک)

● خِروٚسیتَن = خروشیدن
(۱-خِروٚش-ار ۲-خُروٚش-سو)

● خِروٚسیشن = خروش، فریاد
(خِروٚش-ار)

● خِواب = خواب (۱-خاو
-ه ۲-خَو-سو، ار ۳-خوٚ-ل)

● خِواریتَن = خوردن (۱-خواردِن
-سو ۲-خُواردِن-ار ۳-خوارِن
-ز ۴-هَردِه-ل)

● خِوان = خوان، سفره، تاتلی
(خوان-سو)

● خِوانتار = خواننده (۱-خوێنیار
-مک ۲-خوێنَر-سو ۳-
خوَنه‌وار-ار)

● خِوانتَن = خواندن (۱-خوێندِن
-سو ۲-خوَنِن-ار ۳-واناي-ه)

● خِواندَن = خواندن (واندِن-
گ)

● خِواهَر = خواهر (۱-خُوَه-
ز ۲-خُوَهر-ک)

● خِوَر = خور، هور، خورشید
(۱-خوَر-ار ۲-خوَر-سو ۳-
وَر-ه)

● خوَراسان = خراسان، خاور (۱- خوٚرهَلات - سو ۲- خوَرهَلات - ار)

● خوَش = خوش، شاد (۱- خوَش - ار ۲- خوٚش - سو ۳- وَش - ج)

● خوَشیه = خوشی، شادی (۱- خوَشی - ار ۲- وَشی - ج)

● خوَفتَن = خُفتن، خوابیدن (۱- خَفتِن - ار ۲- خَوتِن - سو)

● خوه = خوه، خواهر (۱- خُوَه - ز ۲- خُوَر - ل)

● خوئ = خوی، خوه (۱- خوه - با ۲- خُوِیّه - ز)

● خویـد = خوی، عرق (خُوِیّه - ز)

● خوٚرت = خُرد، کوچک (۱- ورد - سو ۲- هور - با)

● خوٚن = خون (۱- خون - ز - سو، ار، ل)

۲- هون - ج ۳- خوێن - سو، ار ۴- خوین - ل ۵- خیٚن - با)

● خوُسپیتَن = خفتن، خوابیدن (نوستِن - سو)

● خوُشک = خوشه (۱- هوشه - ل ۲- هێشو - سو)

● خوُشکیه = خشکی (۱- وِشکی - سو، ار ۲- ایشکی - ز)

● خوُک = خوک (۱- خوک - ار ۲- خوی - ک)

● خوُمبک = خمره، خم (۱- خُمه - ل ۲- هُمه - ار ۳- هَوێن - سو)

● خوُمر = خواب، گوشاسب (۱- خَو - سو، ار ۲- خَون - مک)

● خیٚزیستَن = خیزیدن، برخاستن (۱- آخیٚزتِن - سو ۲- هوٚرێزای - ج)

● خیشت = خشت (خِشت

دا

● دات = داد، رسته (دادیس) (۱- داتار - ک ۲- دادار - سو)

● داتار = دادار، آفریننده ،

● داتارگیهان = دادارگیهان، دادار

جهان، آفرینندهٔ جهان (داداری - گیهان - سو)

● داتاریه = داداری، آفرینندگی - واداری - سو)

● داتَستان = دادستان (دادِستان - سو)

● داتَکَر = دادگر (دادگر - ار، سو)

● دات‌گوُو = دادگو، دادگر (دادگوٗ - ار)

● داتَن = دادن، بخشیدن (۱- دان - سو ۲- داین - کٹ)

● داتوَر = دادور (دادوَریو)

● داتوَریه = دادوری (دادوَری - سو)

● دار = دار، درخت (دار - ار، سو)

● دارو = دارو (۱- دارو - سو ۲- دَوا - ار)

● داروک = دارو (دارو - سو)

● دارِیَن = چوبی، درختی (دارین - سو)

● داس = داس (۱- داس - سو، ار ۲- داریٰ - هـ)

● داستان = داستان (۱- داستان - سو ۲- داسان - ار)

● داغ = داغ (۱- داغ - ل ۲- داخ - سو، ار)

● دالمَن = دالمن، دال (دالٗ - سو، ار)

● دام = دام، تلہ (۱- دام - سو ۲- داو - ار ۳- داف - ز)

● دامات = داماد (۱- دوما - ل ۲- زاوا - سو، ار ۳- زاڤا - ز ۴- زَما - هـ)

● داماتیه = دامادی، دامادشدگی (۱- دومایی - ل ۲- زاوایی - سو، ار ۳- زاڤایی - ز ۴- زَمایی - هـ)

● دامیه = فرزند (۱- دمی - گ ۲- مِندال - سو ۳- مِنال - ار)

● داناک = دانا، دانشمند (۱- دانا - ار ۲- زانا - سو ۳- دونا - ل)

● داناکیه = دانائی (۱- دانایی - ار ۲- دونایی - ل)

● دانک = دانه، تخم (۱- دان - سو، ار ۲- دون - ل)

● دانوک = زانو (۱- زانو - سو ۲- زونی - ل ۳- زرّانی - ع)

● دانیِنیشن = دانش، دانائی (۱- زانِس - ار ۲- زانِست - سو)

● دانیهِتَن = دانستن (۱- دونِسِ - ل ۲- زانین - سو، ار)

● دایک = دایه، [illegible] (۱- دایه - سو ۲- دایان - ار ۳- داین - ز)

● دایکیه = دایگی (۱- دایانی - ار ۲- دایه یی - سو)

● دَپیر = دبیر، نویسنده (دَویر - ار، سو)

● دَپیریه = دبیری، نویسندگی (دَویری - ار، سو)

● دَخمک = دخمه، گور (۱- دَخمه - ل ۲- دَغمه - ار)

● دَدو = آفریننده، خداوند (۱- خُدامَندَر - ز ۲- داهێنَر - سو)

● دَر = در، دروازه (۱- دَر - سو ۲- دَرک - مک ۳- دِریا - ار)

● دَرپان = دربان (۱- دِریاوان - ار ۲- دَرکه‌وان - مک)

● دَرت = درد، رنج (دَرد - سو)

● دَرتک = درددار، دردمند (۱- دَرده دار - سو، ار ۲- دَردِبار - ل)

● دَرک = دَر (۱- دَرکه - مک ۲- دَرگه - سو ۳- دِریا - ار ۴- دِرگا - ک)

● دَرگ = دراز (دِرێژ - سو، ار)

● دَرگاه = درگاه، آستانهٔ در (۱- دَرگا - سو ۲- دَرگه - ز)

● دَرمان = درمان، دارو (۱- دَرمان - سو، ار ۲- دَرمو - ل)

● دَروتَن = درودن، درویدن (۱- دِرویِن - ز ۲- دِروێنه‌کِردِن - سو ۳- دِرَوکِردِن - ار ۴- آرنین - ل)

● دَریتَن = دریدن، پاره کردن (۱- دِرّین - سو، ار ۲- دِرّنه - ل)

● دَزیتَن = داغ کردن (۱- چِزانِن

-ار۲-چڑانوِن - سو)

● دَست = دست (۱- دَست-سو ۲- دَس -ل،ار)

● دَستَک = دستہ، گروہ (۱- دَستہ-سو ۲- دَسہ-ار ۳- دَسّہ - ل)

● دست کاریہ = دستکاری (۱- دَستکاری- سو ۲- دَسکاری-ار)

● دَستگیر = دستگیر، یاری کنندہ (۱- دَستگیر- سو ۲- دَسگیر-ار)

● دَستوَریہ = دستور، الہی، اجازہ (۱- دَستور-سو ۲-دَسور -ار،ک)

● دَستیاریہ = دستیاری، کمک (دَسیاری - ار)

● دَشت = دشت (دَشت - ار، سو)

● دَشتیک = دشتی، بیابانی (۱- دَشتکی - سو ۲- دَشتی-ار)

● دَشن = سوی، سون (۱- تَنِشت - سو ۲- تَنیشت - مک)

● دَشنَک = دشنہ، کارد (۱- دَشنہ - ھ ۲- دِشنہ - ل)

● دَفتَن = دمیدن (۱- دَمانوِن - سو ۲- دَمانِن - ار)

● دَمان = زمان، ہنگام (۱- دَم - سو،ار ۲- دِم - ز)

● دَمَک = دمہ، بوران، کولاک (۱- دَمہ - ار، ھ ۲- بادَف-ز)

● دَندان = دندان (۱- دِنو-ل ۲- دِدان-سو ۳- دران - ز ۴- دِیان-ار ۵- دِندان - با)

● دَوال = دوال، تسمہ، کمربند (۱- دَوال - ھ ۲- دُوال-ار)

● دَوَن = دروغ (۱- دَرَو - ز ۲- دِرو - ل ۳- دِرۆ- سو،ار)

● دَہ = دہ، ۱۰ (دَہ، سو،ار)

● دَھان = دہان (۱- دَم-سو،ار ۲- دَف -با ۳- دَو-گ)

● دَھلیچ = دہلیز، دالان (۱- دادن -سو،ار ۲- دالۆ- ل)

● دَھیچ = جہیزیہ، وردک، وردوک

(چیازی ـ سو، ار، ل)

● دَ هیشتن = پدید آوردن، آفریدن
(داهێنان ـ سو)

● دِراز = دراز (دِراز ـ ل)

● دِراناک = سرود، سرایش
(دوڕێنزان ـ ز)

● دِرَخت = درخت (دِرَخت ـ سو، ار)

● دِرَفش = درفش، پرچم

(۱ ـ دِرَوش ـ ار ۲ ـ دِرۆش ـ ل)

● دِرۆت = درود (درود ـ سو)

● دِروجَن = دروغگو (۱ ـ دِرۆزِن ـ سو ۲ ـ دِروزِن ـ ار ۳ ـ دِروزِه ـ ل)

● دِرودیست = درست، راست
(۱ ـ دِروست ـ سو ۲ ـ دُرُس ـ ار)

● دِرودیستیه = درستی، راستی
(۱ ـ دِروستی ـ سو ۲ ـ دُرُسی ـ ار)

● دِرۆزَن = دروغگو، دروغزن
(دِرۆزِن ـ سو)

● دِرۆزِن کرتَن = دروغ گفتن

(۱ ـ دِروزِه کَتِه ـ ل ۲ ـ دِرۆزنی کِردِن ـ سو ۳ ـ دِرۆکِردن ـ ار، ک ۴ ـ دِرۆکوده‌ی ـ ه)

● دِرۆژَن = دروغزن، دروغگو
(دِرۆزِن ـ سو)

● دِرۆژَنیه = دروغزنی، دروغگوئی
(۱ ـ دِرۆزِنی ـ سو ۲ ـ دِروزِه‌یی ـ ل)

● دِروست = درست، راست
(۱ ـ دِروست ـ سو ۲ ـ دُرُس ـ ار)

● دِروستیه = درستی (دِروستی ـ سو)

● دِروشت = درشت (۱ ـ دِرِشت ـ سو ۲ ـ دُرُشت ـ ار ۳ ـ دۆرِشت ـ ل)

● دِرۆغزَن = دروغزن، دروغگو
(دِرۆزِن ـ سو)

● دِرۆگ = دروغ (۱ ـ دِرۆ ـ سو ۲ ـ درو ـ ل ۳ ـ دَرَو ـ ز)

● دِرۆگیه = دروغی (۱ ـ درویی ـ ل ۲ ـ دِرۆیی ـ سو)

● دِرۆو = دروغ (دِرۆ ـ سو)

● دِرووِیست ئەنام = درست اندام، تندرست (دِرُست اَنام -ار)

● دِرَیاپ = دریاب، دریا (۱- دَریا- سو، ار ۲- دَلیا- گ)

● دِرِیتار = دریدار، درّنده (۱- درّنده - سو ۲- دِرّنّه -ار)

● دِریغۆش = درویش (۱- دَروێش - سو ۲- دَورێش -ار ۳- دۆریش - ل)

● دِریۆش = دریوش، درویش (۱- دَروێش - سو ۲- دِرِوێش- ز)

● دِریۆشیه = دریوشی، درویشی (دَروێشی- سو)

● دِنوتک = ماده (۱- ما -ل، ار، ک ۲- مێ- سو ۳- مێچکه- مک)

● دِوار = در، درب (۱- دِرِیا -ار ۲- دَرو - مک)

● دِواریتَن = رفتن (۱- رۆیین -ار ۲- رۆیشتِن - سو ۳- رُفتەلن

● دِواریشن = رفتن (۱- رۆیشتِن- سو ۲- لِوای -ھ)

● دِوازده = دوازده (۱- دوازده - سو ۲- دوانزه -ار ۳- دوانگزه -ک)

● دِوازدَهُم = دوازدہم (۱- دوازدَهَم - سو ۲- دوانزەهُم -ار)

● دۆ = دو، ۲ (۱- دو - سو، ار ۲- دِدۆ - ز ۳- دویٚ -ھ ۴- دۆ - ل)

● دۆاۆم = دوّم (۱- دوهُم -ار ۲- دوهَم- سو)

● دۆپاد = دوپای، دوپا (۱- دوپا -ار ۲- دوپێ- سو)

● دۆتۆم = دومین (۱- دوهَمین -ار ۲- دُوَمین - سو)

● دۆچاریه = دوچاری، دُچاری (۱- دوچاری -ار ۲- دۆچاری- ل)

● دۆچَندان = دوچندان، دوبرابر (۱- دوچَنان -ار ۲- دوچَندانیو

● دۆخت = دُخت ، دختر (۱- دُختِر - ل ۲- دۆت - با ۲- دویت - ف)

● دۆرَک = دوره ، گرداگرد (۱- دَوره - سو، ار ۲- دۆر - ل)

● دۆست = دوست (۱- دۆست - سو ۲- دۆس - ار ۳- دوس - ل)

● دۆش = دوش ، دیشب (۱- دوش - ل ۲- دویشو - سو، ار)

● دۆشَپک = دوشبه (۱- دوشَوه - سو، ار ۲- دِدوشَفه - ز)

● دۆل = دول ، دول آبکشی (۱- دۆل - سو، ار ۲- دول - ل)

● دۆوین = دومی (دُومین - سو)

● دوت = دود (۱- دو - ز ۲- دی - ل ۳- دوکَل - سو ۴- دوده - ار، با)

● دۆتَک = دودمان ، دوده (۱- دودَه مان - ار ۲- دوندان یک)

● دۆتَک مان = دودمان (دودَه مان - ار)

● دۆختَن = دوشیدن (۱- دوختِه - ل ۲- دۆتِن - ز ۳- دۆشین - سو، ار، ک)

● دُور = دور (۱- دور - سو، ار ۲- دویر - با ۳- دیر - ل)

● دُوراۆمیت = دورامید ، کسی که امید و آرزوهای دور و دراز دارد (۱- دور هُمید - سو ۲- دوراُمید - ار)

● دُوروست = درست (۱- دُرُست - سو ۲- دُرس - ار)

● دُوریه = دوری (۱- دوری - سو، ار ۲- دویری - با ۳- دیری - ل)

● دُوز = دُزد (۱- دۆز - ل ۲- دوز - سو، ار)

● دُوزینک = دوزنه ، نیش جانوران گزنده (۱- چِز - ار، ل ۲- چِزو - سو ۳- چِزه - ک)

● دُوژ = دزد (دۆز - ل)

● دُوژوار = دشوار (۱- دِژوار - ز، سو ۲- دُخشار - ار)

● دُوژیه = دزدی (دوزی - ل)

● دۆش = دژ، دُش، زشت
(۱- دِش -ار، ک ۲- دِژ -سو)
● دۆشک = دوشک، توشک
(۱- دۆشک -سو ۲- دۆشکه -ار)
● دۆشمن = دشمن (۱- دُشمِه -
-ل ۲- دُژمِن -سو ۳- دِژمِن -
ار ۴- دُشمِن -گ)
● دۆشمناتیه = دشمنی (۱-
دُشمنایتی -سو ۲- دِژمنایَتی -
ار ۳- دُشمِنی -ل)
● دۆشمنیه = دشمنی (۱- دُشمِنی
-ل ۲- دِژمنی -ار)
● دۆشنام = دشنام (۱-
دُشمین -ک ۲- دِژمێن -ار ۳-
جوێن -سو ۴- دِژمان -گ ۵-
دِژوێن -ز ۶- جنێو -مک)
● دۆشوار = دشوار (۱- دِشوار
-ار ۲- دِژوار -ز، سو)
● دۆشواریه = دشواری
(۱- دِشواری -ار)
● دۆشیتن = دوشیدن (۱-
دۆشین -سو، ار ۲- دۆتِن -ز)
● دۆشیچک = دوشیزه، دختر
(۱- دوێته -ف ۲- کنیشک -ار)
● دۆشیه = دژی، دُشی، زشتی
(۱- دِشی -ار ۲- دِژی -سو)
● دۆلک = دول، دولچه (۱-
دۆلکه -سو ۲- دۆلچه -ار ۳-
دولک -ل)
● دۆم = دُم (۱- دو -ار ۲-
دوم -گ)
● دۆمبک = دنبه (۱- دومّه -
ل ۲- دوی -ار)
● دۆیتن = گفتن (۱- ویتِن -ک
۲- وتِن -سو، ار ۳- آخفتِن -ز)
● دێ = پدید آورنده، آفریننده (
۱- داهێنَر -سو ۲- به دی هێنَر -مک)
● دێپاک = دیبا (دێبا -ف)
● دێو = دیو (دێو -ار)
● دێز = دیز، دز، دژ (۱-
دِژ -سو ۲- دِز -ار)
● دێژ = دژ (دِژ -سو

● دێگ = دیگ (۱- دیگه- ل ۲- دێزه- ار، سو ۳- دیزه- ز)

● دێن = دین، آئین (دین- سو)

● دێنار = دینار، پول (دینار- سو)

● دێو = دیو (دێو- سو، ار)

● دێوار = دیوار (دیوار- سو، ار)

● دێودروج = دیودروغ، دروغگو (۱- دِرِنجی دِروٚ- ار ۲- دێوی دِروٚ- سو)

● دیپیر = دبیر (۱- دَویر- ار ۲- دَبیر- ل)

● دیپیریه = دبیری (۱- دَویری- ار ۲- دَبیری- ل)

● دیتار = آشکار، پدیدار (دِیار- ار، سو، ل)

● دیتیگر = دیگر، دیگری (دیکه- مک)

● دیدیشن = دیده، بینائی (۱- دیده- سو ۲- دِیَه- ار)

● دیراز = دراز (۱- دِراز- ل ۲- دِرێژ- سو، ار)

● دیرَم = درم، درهم (۱- دِرَم- ار ۲- دِرهَم- سو ۳- دِراو- مک)

● دیرَنگ = درنگ، دیر (۱- دِرَنگ- سو ۲- دێر- ار)

● دیرَنگیه = درنگی، دیری (۱- دِرَنگی- سو ۲- دێری- ار)

● دیل = دیل، دل (۱- دیل- ل ۲- دِلّ- سو، ار، ک)

● دیل دَرتیه = دلدردی (۱- دیل دَردی- ل ۲- دلّ دَردی- سو، ار، ک)

● دیل سوٚچیک = دلسوزی (۱- دِلّ سوٚچی- ه ۲- دلّسوٚزی- سو)

● دیلیر = دلیر (۱- دیلیر- ل ۲- دلێر- سو، ار)

● دیوان = دیوان، دادگرخانه (دیوان- سو، ار، ک)

● دیه = دیه، روستا، آبادی (۱- دی- ل ۲- دێ- سو ۳- لادێ- ار)

را

● را = را، برای، به (را ـ سو)

● رادێناک = آراسته، آرسته (۱ ـ رازیاگ ـ ار ۲ ـ رازاوه ـ سو ۳ ـ رازیاوه ـ ک)

● رادێنیتَن = آراستن (۱ ـ رازاندن ـ ار ۲ ـ رازاندِن ـ سو)

● راز = راز، نهانی (راز ـ سو، ار)

● رائێنیتَن = آراستن (رازاندن ـ ار)

● راست = راست (۱ ـ راست ـ سو ۲ ـ راس ـ ار، ل)

● راستیه = راستی، درستی (۱ ـ راستی ـ سو ۲ ـ راسی ـ ار)

● راک = راک، قوچ جنگی (۱ ـ تَبران ـ سو، ار ۲ ـ وَران ـ گ)

● رام = رام (۱ ـ رام ـ سو، ار ۲ ـ رُم ـ ل)

● ران = ران (۱ ـ ران ـ سو، ار ۲ ـ رُ ـ ل)

● رانتَن = راندن (۱ ـ راوناں ـ سو ۲ ـ راونیان ـ ار ۳ ـ رَنئِه ـ ل)

● راه = راه، ره (۱ ـ راگ ۲ ـ ره ـ ل ۳ ـ رێ ـ سو، ار)

● رَز = رز، تاکستان (رَز ـ سو، ار)

● رَزم = رزم، جنگ (۱ ـ رَزم ـ سو، ار ۲ ـ رِزم ـ ل)

● رَستَک = رسته، روش، رفتار (راستک ـ مک)

● رَسَن = ورسن، رسن (۱ ـ رَسَن ـ ل ۲ ـ وَریس ـ ز، ۶)

● رَفتار = رفتار (رَفتار ـ سو، ار)

● رَفتَن = رفتن (۱ ـ رُفتِه ـ ل ۲ ـ رۆین ـ ار ۳ ـ رۆیشتِن ـ سو)

● رَم = رم، رمه (رَم ـ ک)

● رَمَک = رمک، رمه، گَلّه (رَمه ـ ل)

● رَنج ـ رنج، درد (رَنج ـ سو، ار، ۶)

● رَندیتَن = خراشیدن (رِنین ـ سو، ار، ک)

● رَنگ = رنگ (رَنگ ـ سو، ار)

● رَواکت = روا، شایان (رَوا ـ سو، ار، ل)

● رَواکیه = روائی، روابودن (رَوایی ـ سو، ار)

● رَویشن = روش، رفتار (۱ ـ رَوِش ـ سو ۲ ـ رَوِشت ـ ار)

● رۆپاس = روباه، روس (۱ ـ رُواس ـ ھ ۲ ـ رێوی ـ سو، ار)

● رۆپاه = روباه (۱ ـ رُوا ـ ل ۲ ـ رِوی ـ ف ۳ ـ رۆڤی ـ ز)

● رۆت = رود، رودخانه (۱ ـ رۆ ـ ز ۲ ـ رو ـ ل ۳ ـ روبار ـ سو ۴ ـ رۆخانه ـ ار)

● رۆتیک = روده، بُرانداف (۱ ـ رۆدی ـ ز ۲ ـ ریخۆله ـ سو)

● رۆج = روج، روز (۱ ـ رۆچ ـ ھ ۲ ـ رۆ ـ مک ۳ ـ رۆژ ـ سو، ار ۴ ـ روج ـ ل)

● رۆچانَک = روزنه، پنجره (۱ ـ رۆچنه ـ ھ ۲ ـ رۆده ـ گ)

● رۆچک = روزه (۱ ـ رۆچی ـ ھ ۲ ـ رۆچه ـ ک ۳ ـ رۆژو ـ سو ۴ ـ رۆژگ ـ ار ۵ ـ رۆژی ـ ز)

● رۆچکار = روزگار، زمان (۱ ـ رۆچیار ـ ھ ۲ ـ رۆچیار ـ ار ۳ ـ رۆژیار ـ سو)

● رۆچناک = روشنا، روشن (۱ ـ رۆچن ـ ھ ۲ ـ رۆشن ـ ار، سو ۳ ـ رۆشه ـ ل)

● رۆد = روی، یکجور توپال (فلز) است (۱ ـ رۆج ـ ار ۲ ـ رو ـ ل)

● رۆذیتَن = روئیدن (رُوان ـ سو)

● رۆشن = رَوشن، درخشان (رۆشن ـ ار، سو)

● رۆشنیک = روشن، روشنی (۱ ـ رۆشنی ـ ار، سو ۲ ـ روناکی مک)

● رۆشنیه = روشنی، درخشندگی (۱ ـ رۆشنی ـ ار، سو ۲ ـ رۆچنی ـ ھ)

● رۆغن = روغن (۱- رۆغان - ف ۲- دِغو - ل ۳- رۆن - ار ، سو، گ)

● رۆون = روغن (۱- رون - ک ۲- روهن - سو)

● رۆی = روی، چهره (۱- رو - سو، ار ۲- ری - ل)

● روسواکَ = رسوا، شرمسار (۱- رِسوا - ار ۲- ریسوا - سو ۳- رِسبا - ل)

● رووان = روان، جان (۱- رَوان - سو، ار ۲- اَروا - ه)

● رێچیتَن = ریختن ، ریشیدن (۱- رێژِتِن - مک ۲- رێژنای - ه ۳- رێژان - سو، ار)

● رێش = ریش، زخم (۱- رێش - ار ۲- ریش - ز، ل)

● رێشتَنک = رشته، نخ (۱- رِشته - ل ۲- کِشتَنک - ار)

● رێشَنک = ریشه (ریشه - ار ، سو، ک)

● رێواس = ریواس ، ریباس (۱- رێواس - سو، ار ۲- رێڤاس - ز ۳- ریواو - ه ۴- ریواس - ل)

● ریتَن = ریدن (۱- ریتِن - ز ۲- رییه - ل ۳- دِیان - ار، سو ، ک)

● ریست = مُرده (۱- رِست - ه ۲- رَست - سو)

● ریستاخێز = رستاخیز، هنگام - برخاستن مردگان (۱- رِستاخێز - ه ۲- رَستاخێز - سو)

● ریش = ریش (۱- ریش - ار ۲- رِدێن - مک ۳- رِیه - با - ۴- رِه - ز)

● ریک = ریگ ، شن (۱- ریخ - ل ۲- ریخ - ار ۳- زیخ - مک ، سو)

● ریم = ریم ، چرک (۱- کیێم - سو ۲- نیێم - ز)

● رین = بار ، وار ، دفعه (را - ار ، ه)

زا

● زاریک = زاری (۱- زاری - سو ۲- زاریان - ار)

● زاک = زاده، فرزند (۱- زاگ - ار ۲- زا - سو)

● زام = زمین (۱- زمی - ل ۲- زَمین - مک ۳- زَوی - سو ۴- زَوین - ار ۵- زَمّی - ز)

● زانوک = زانو (۱- زونی - ل ۲- اَژنوّ - مک ۳- زانو - سو)

● زَخم = زخم (۱- زَخم - ک ۲- زام - سو، ار ۳- زَم - ل)

● زَر = زر (۱- زَرّ - ار ۲- زیّش - سو)

● زَرتوشت = زرتشت (۱- زَردِشت - ۴ ۲- زَرَدَشت - سو، ار)

● زَرد = زرد (۱- زَرد - سو، ار ۲- زَر - ز)

● زَرگَر = زرگر (۱- زَرِنگَو - ک ۲- زَرگَر - ار ۳- زیّرّینگَر - مک ۴- زَرَنگَر - سو)

● زَرگَریه = زرگری (۱- زَرِنگَوی - ک ۲- زَرگَوی - ار ۳- زیّرّینگَوی - مک)

● زَرمان = زرمان، پیر (۱- زَرّهان - ۴ ۲- زُرهان - مک)

● زَرمانیه = پیری (۱- زَرّهانی - ۴ ۲- زُرهانی - مک)

● زَرّین = زرین (۱- زَرّین - ار، ک ۲- زیّرّین - مک)

● زَمان = زمان، هنگام (۱- زَمان - ار، سو ۲- زِمّو - ل)

● زَمانَک = زمانه (۱- زَمانه - ار، سو ۲- زِموّنه - ل)

● زَمیستان = زمستان (۱- زِمسان - ار ۲- زوسان - ک ۳- زِستان - سو ۴- زِمسّو - ل)

● زَن = زن (۱- زِن - ز ۲- ژِن - سو، ار، ک ۳- ژَنی - ۴ ۴- زِنّه - ل)

● زَنجیر = زنجیر (۱- زَنجیر- ار ۲- زِنجیر- سو ، ک)

● زَند = زند، سَفرَنگ (زَند- سو)

● زَهر = زہر (۱- زَهر - ار ۲- ژَهر - سو ۳- ژار- گ)

● زَهیتَن = زهیدن ، زائیدن (۱- زایین - سو ۲- زایسه- ل)

● زِرئیه = زراه ، دریا (۱- زِری- سو ۲- زِریه - مک ۳- زَریا- ک)

● زِریه = زره ، پوشش آہنین کہ ہنگام جنگ برخود می پوشند (۱- زِری- سو، ار ۲- زِرَه - ز)

● زِیان = زیان (زِیان - سو، ار، ز، ک، گ)

● زِیانکار = زیانکار (زِیانکار - سو، ار)

● زوٚر = زور، نیرو (۱- زوٚر- سو ، ار ۲- زور- ل)

● زوزَک = ژوژه ، خارپشت (۱- ژیشک - سو ۲- ژوشک - مک ۳- ژُژو - ل ۴- ژوژو- ار)

● زِووان = زبان (۱- زُوان - ار ۲- زِوو - ل ۳- زبان - سو ۴- زِمان - ز)

● زِیٚن = زین، زین اسب (۱- زِیٚن - ار ۲- زین - سو، ز)

● زِیٚندان = زندان (۱- زیندان - سو ۲- زینان - ار، ک)

● زِیرَک = زیرک (زیرک - ار، ک، سو، ز)

● زیستَن = زیستن، زندگی کردن ، زیویدن (۱- ژِیان - ار، سو ۲- ژیین - مک ۳- ژِی - ز)

● زیم = زم ، زمستان (۱- زِمسو - ل ۲- زِمسان - ار ۳- زوستان - ک ۳- زِستان - سو، مک ۴- زُسان - گ)

● زیندَک = زنده (۱- زینده - سو ۲- زِندو - مک ۳- زِنّه - ل ۴- زِنه - ار ۵- زِنده - گ)

ژو

• ژَن = زن (۱- ژَنی -۲ ۶- ژِن -سو، ار ۳- ش‍ِن -گ)

• ژَنیه = زنی، زن بودن (۱- ژِنی -سو، ار ۲- ش‍ِنی -گ)

• ژوزَک = ژوزه، ژوژ، خار-پشت (۱- ژُژِگ -کُ ۲- ژوژو -ار ۳- ژِژو -ل، ز ۴- ژیشک -سو ۵- ژوشک -مک)

سَ

• سال = سال (سال -سو، ار، ز)

• سالار = سالار، سردار (سالار -سو، ار)

• سالاریه = سالاری، سرداری (سالاری -سو، ار)

• سان = سان، مانند (سان -سو، ار، گ)

• سَچاکوار = سزاوار، شایسته (۱- سِزاوار -ار ۲- سَزاوار -سو)

• سَخت = سخت (سَخت -ار، سو)

• سَر = سر (۱- سَر -سو، ار ۲- سَری -ز ۳- سه -با)

• سَراسَر = سراسر، سرتاسر (۱- سَراسَر -ار ۲- سَرانسَر -سو، کُ)

• سَرت = سرد (۱- سَرد -ار، ل ۲- سارد -سو ۳- سِر -ز)

• سَرتیه = سردی (۱- سَردی -ار، ل ۲- ساردی -سو ۳- سِری -ز)

• سَردار = سردار (سَردار -سو)

• سَرداریه = سرداری (سَرداری -سو، ار)

• سَرکاو = سرکا، سرکه (سِرکه -سو، ار)

● سَرگین = سرگین، پشکل الاغ (۱- سَرگین - سو، ز ۲- سَنیَر - ار)

● سَرماک = سرما (سَرما- ار، سو، ز)

● سَرو = سرو، درخت سرو (۱- سَرو - سو، ار ۲- سَروَلَک ۳- سَول - ل)

● سَرهَنگیز = گرز (۱- گُرز - سو، ار ۲- گوُرز - ل)

● سَشت = شست - ۶۰ (۱- شَست - سو ۲- شَس - ار، ل ۳- شیَست - مک)

● سَگ = سگ (۱- سَگ - ار، سو ۲- سَی - با ۳- سَک - ز)

● سَم = سم، ترس (۱- سام - ار، سو ۲- سَهم - ل)

● سَمَن = سمن، گل سمن (سَمَن - سو، ار)

● سَموُر = سمور (۱- سِموُره - سو ۲- سَموُر - ار ۳- سَفوری - با)

● سَنجیتَن = سنجیدن، کشیدن (۱- سَنجیه - ل ۲- سَنگابِن - ار ۳- سَنگاندِن - سو)

● سَنگ = سنگ (سَنگ - ار، ل)

● سَنگیَن = سنگین (سَنگین - ار)

● سَنگیپیَل = زنجبیل (۱- زَنجَفیل - سو ۲- زَنجَفیَل - ار)

● سَهم = سم، ترس، بیم (۱- سَهم - ل ۲- سُهُن - ز)

● سَهمان = مرز، بوم (۱- سَهمان - مک ۲- سِنور - سو، ار)

● سِپاس = سپاس (۱- سِپاس - ار ۲- سُپاس - سو)

● سِپاه = سپاه، سپه (۱- سپا - ار ۲- سُپا - سو)

● سپاهسالار = سپهسالار، سپه سالار (سپاسالار - ار)

● سِپَر = سپر (سِپَر - سو، ار)

● سِپَرتَن = سپردن (۱- سِپارتِن - ز ۲- سِپاردِن - سو، ار ۳ - سِپَردہ ی - ۶)

● سِپیِت = سپید، سفید (۱- سپی - سو ۲- سِپیٔ - مک)

● سِسپیش = شپش (۱- سِپیٔ - ار ۲- اَسپیٔ - سو ۳- سِپہ - ز)

● سِتار = ستارہ، اختر (۱- ستارہ - گ ۲ - آسارہ - ل ۳ - هَسارہ - ار ۴- اَستیٔرہ - سو ۵- سِتیٔر - ز)

● سِتَپر = ستبر، استبر (اَستور - سو)

● سِتَتَن = ستدن، ستاندن، گرفتن (۱- سَندِن - سو ۲- اَستاندِن - مک ۳- سَنِن - ار، ک)

● سِتَخر = استخر (۱- اَستیٔر - مک ۲- اَستیٔل - سو ۳- هَسٔل - ار، ک)

● سِتَر = ستارہ (۱- اَستیٔرہ - سو ۲- سِتیٔر - ز)

● سِتَراۆشُمور = ستارہ شمار، اخترشناس (اَستیٔرہ ژمار)

● سِتَوت = بیهوش، کرخ، کرخت (سِتٓ - سو، ار، ل)

● سِتَور = ستبر (۱- اَستور - سو ۲- سِتور - ز)

● سِتون = ستون (۱- سِتون - ار ۲- اَستون - سو ۳- هَستون - مک)

● سِتَهم = ستم (سِتَم - سو، ار، ل)

● سِروت = سرود (سِرود - سو، ار)

● سِروو = شاخ، شاخِ دام (۱- سِتروٚ - ز ۲- سِتروٚہ - ہا)

● سِیا = سیاہ (۱- سِیا - ار، سو ۲- سِیاو - ۳ ۶ - سِی - ل)

● سِیاوَخش = سیاوش (۱-

سِیاوَخش ـ گ ، ل ۲ ـ سیاوَ ـ حش ـ ۶ ، ار)

● سِیاوہ = سیاہ (سِیاو ـ ۶)

● سوٚک = سود ، بہرہ (۱ ـ سو ـ ار ۲ ـ سوہ ـ سو)

● سوٚگَند = سوگند (۱ ـ سوٚیند ـ سو ۲ ـ سوٚین ـ ار ۳ ـ سَوگَند ـ ۶)

● سوتَن = سودن ، سائیدن (۱ ـ سوین ـ سو ۲ ـ بِسوٗن ـ مک ۳ ـ ساوین ـ ار)

● سوچِن = سوزن (۱ ـ سوزِن ـ سو ۲ ـ دَرزی ـ سو ، ار ۳ ـ دَرزَن ـ ل)

● سوختَن = سوختن (۱ ـ سوٚختِہ ـ ل ۲ ـ سوتان ـ سو ۳ ـ سوتیان ـ ار ۴ ـ سُھتِن ـ با ۵ ـ سوٚھتِن ـ ز)

● سودَن = سودن ، سائیدن (بِسوٗن ـ مک)

● سور = ۱ ـ سرخ ، قرمز ۲ ـ سور ، شادی ، مہمانی (الف : (۱ ـ سور ـ سو ، ار ۲ ـ سوٚر ـ ز (ب :) ۲ ـ سور ـ ار ، سو ۲ ـ سوبِر ـ کٹ)

● سوست = سُست (۱ ـ بِست ـ سو ۲ ـ بِس ـ ار ۳ ـ سوٚس ـ ل ۴ ـ شِست ـ ز)

● سوسَن = گُل سوسن (۱ ـ سوہِن ـ ز ۲ ـ سوٚیَن ـ سو ، ار ۳ ـ بِسوٚیسنہ ـ مک)

● سوش = شُش ، جگر سفید (۱ ـ سی ـ ار ، سو ۲ ـ شُش ـ ۶)

● سوشک = شُش (۱ ـ سیپَلک ـ مک ۲ ـ شُش ـ ۶)

● سومب = سمب ، سم (۱ ـ بِسم ـ سو ، ار ، ز ۲ ـ سوٚم ـ ل)

● سیٚ = سہ ، ۳ (۱ ـ سیٚ ـ سو ، ار ۲ ـ بِسہ ـ ل ۳ ـ بِستی ـ ز)

● سیٚپ = سیب (۱ ـ سیٚف ـ ار ۲ ـ سیٚف ـ ز ۳ ـ سیٚو ـ سو ۴ ـ بِسیو ـ ل)

● سیٚزدہ = سیزدہ (۱ ـ سیٚزدہ

- سو ۲- سیّنزه - ار ۳- سینزه - ل ۴- سیّنگزه - ک)

● سیّن مورو = سیمرغ (۱- سیمرغ - سو ۲- سیمرِک)

● سیّنک = سینه (۱- سیّنگ - ار ۲- سینگ - سو ۳- سینه - ل)

● سی = سی، ۳۰ (سی - سو، ار)

● سین = سینه (۱- سین - ار ۲- سینگ - سو)

● سیمّور = سمور (سِموّره - سو)

شا

● شات = شاد، خرم (۱- شا - ار، ز ۲- شاد - سو ۳- شار - ل)

● شاتیه = شادی، خوشی (۱- شایی - ار، ز ۲- شادی - سو)

● شازده = شانزده (۱- شازده - مک، ز ۲- شانزه - سو ۴- شانگزه - ار، ک)

● شاک = شاخ، شاخه (شاخ - سو، ار، ل)

● شام = شام، خوراک شب (۱- شام - ار ۲- شیو - سو ۳- شوم - ل ۴- شیوی - با)

● شانک = شانه (۱- شانِک - ک ۲- شانه - سو، ار ۳- شانی - ف ۴- شونه - ل ۵- شهک - ز ۶- شه - با)

● شاه = شاه (۱- شا - ار ۲- شاه - سو ۳- شه - ل)

● شاه بلوت = شاه بلوت (۱- شابلی - ل ۲- شابرّو - ار)

● شاهدانک = شاهدانه، شهدانه (۱- شادانه - ار ۲- شاینه - ل)

● شاهیه = شاهی (۱- شاهی - سو ۲- شایی - ار)

● شایند = شاید (۱- شاید - سو، ار ۲- شایت - ک)

● شپ = شب (۱- شیف - ز ۲- شف - با ۳- شو - سو، ار

۴- شۆو-ل)

• شَپان = شبان، چوپان (۱- شُوان - ار ۲- شوان-سو ۳- شِڤان-ز ۴-شۆاۆ-ل)

• شَتر = شهر (۱-شَر-ل ۲-شار-سو، ار ۳-شِهر-ز)

• شَتردار = شهردار (۱- شَردار-ل ۲-شاردار-سو)

• شَرم = شرم (شَرم-سو، ار)

• شَمت = شصت، ۶۰ (۱- شَمت-سو ۲-شَمس-ار، ل ۳-شیِست-مک)

• شَش = شِش، ۶ (شَش-سو، ار، ل)

• شَش سَت = شِشصد، ۶۰۰ (۱-شَش سَت-مک ۲-شَش سَد-سو، ار)

• شَفال = شُغال (چَقَل-ار، سو، ل)

• شَفت = شفتالو (۱-شَفتالو-ف ۲-هَشتاوی-گ)

• شَفتالوک = شفتالو (هَشتالو-ار)

• شَک = شک، گمان (شِک-ار، سو)

• شَکَر = شکر (۱- شَکَر-ار ۲- شَکِر-سو)

• شَمشێر = شمشیر (۱-شِمشێر-ار ۲-شێر-سو ۳-شور-ز)

• شه = شه، شاه (شه-ل)

• شَهریار = شهریار (۱-شاریار-گ ۲-شالیار-ار)

• شَهریستان = شهرستان (۱- شَرستان-ل ۲- شارستان-سو ۳- شارسان-ار)

• شِکستَن = شکستن (۱- شِکستِن-ز ۲- شِکاین-ار ۳- شِکاندِن-سو)

• شِکۆه = شکوه (شِکۆ-ار، سو)

• شِنَفتَن = شنفتن، شنودن (۱- شِنَفتِن-ل ۲- شِنَوتِن-سو

۳- ژِنَفتِن - ار ۴- بِشَفتهءی -ج)
● بِشنوک = زانو (چوُنگ -ز)
● شوُستَن = شستن (۱- شوُشتهِ - ل ۲- شتِن - سو
۳- شوُرین - ار ۴- شوشتِن -ز)
● شوُی = شوی ، شوہر (۱- شو -سو، ار ۲- شی -ل)
● شوُپان = شبان ، چوپان (۱- شُوان - ار ۲- چوُپان -ک ۳- شوُو -ل)
● شونبَت = شنبه (۱- شَمبه -سو ۲- شَمه - ار ۳- شَموُ - مک
۴- شَمَه -ل ۵- شَمِی -ز)
● شیپاک = شیبا ، مار بزرگ
(قِشاب -ز)
● شیِت = شید ، شیذ ، درخشان (۱- شیِد - مک ۲- شید -سو
۳- شی - ار)
● شیِر = شیر درنده (۱- شیِر - سو ، ار ، ز ۲- شیِر -ل)
● شیوَن = شیون ، زاری (۱- شیوَن - سو، ار ۲- شیوه -
ل)
● شیپ = شیب ، سرازیری (شیو- ار)
● شیر = شیر خوراکی (شیر- سو)
● شیریِن = شیرین (۱- شیرین - ار ۲- شیرِن - سو ۳- شیری -ل)
● شیریِنیه = شیرینی (شیرینی -ز)

غَ

● غَن = زن (۱- ژَن -ج ۲- اژِن - سو، ار ۳- زِن - ز)

فَ

● فَخیِز = فخیز ، مهمیز (۱- مامیِز - ار ۲- مامزه - مک)
● فَرگ = بخت ، اورند ، ماراَب (۱- فِریشته - ار ۲- فِرشِته -ل)
● فَرنه = فر ، شکوه (فَرّ- سو)
● فَریش = تراشنده ، خراشنده (شیله - مک)
● فِراچ = فراز ، بلندی (۱-

اَفراز - ز ۲ - هَمّراز - با ۳ - هَوراز - سو، ار)

● فرای = زیاد (۱ - فِره - ار، ز، ل ۲ - فِریٰ - سو)

● فِرَجام = فرجام، پایان (۱ - فَرجام - گ ۲ - اَنجام - ار، سو)

● فِرَدَند = فرزند (فَرزَن - ار، ک، گ)

● فِرَزانک = فرزانه، دانا، هوشیار (فِره زان - ار)

● فِرَزانکیه = فرزانگی، دانائی (فِره زانی - ار)

● فِرَزَند = فرزند (فَرزَن - ار، ک، گ)

● فِرَزَندیه = فرزندی، پدر وفرزندی (فَرزَنی - ار، ک، گ)

● فِرَزام = فرجام (فَرجام - گ)

● فِرَسَنگ = فرسنگ، فرسخ (۱ - فِرسَنگ - سو ۲ - فِرسَخ - ار)

● فِرَشن = پرسش (۱ - پِرس - ار ۲ - پرسِیار - سو)

● فِرَماتار = فرمانده (۱ - فَرماندَر - ار ۲ - فَرماندار - سو)

● فِرَمان = فرمان، دستور (۱ - فَرمان - سو، ار، ز ۲ فِرمَوٚ - ل)

● فِرَمان بورتار = فرمانبردار (۱ - فَرمانبَردار - ار ۲ - فَرمانبَر - سو ۳ - فِرمَوٚبَر - ل)

● فِرَمان بورتاریه = فرمانبرداری (۱ - فرمانبَرداری - ار ۲ - فَرمانبَری - سو)

● فِرَمان داتَن = فرمان دادن (فَرمان دان - سو)

● فِرَمایِیشن = فرمایش (۱ - فَرمایش - ار ۲ - فَرمایشت - سو)

● فِرَموتَن = فرمودن (فَرموتِن - سو)

● فِرَموٚش = فراموش، فرمش (فَراموٚش - سو، ار)

● فِرَموٚشیتاریه = فراموشی

،ازیادبردگی (فَراموشی ـ سو،ار)

● فِرَموشیتَن = فراموشیدن فراموش کردن (فَراموشیدان ـ سو)

● فِرَنافتَن = رفتن (۱ـ رَوَفته ـ ل ۲ ـ روین ـ ار ۳ ـ رَویشتِن ـ سو)

● فِرَنامیشن = خم شدن ، پرستش (کِرنموش ـ سو)

● فِروَختَن = فروختن (۱ـ فروختِه ـ ل ۲ ـ فِروَتِن ـ ار، ز ۳ ـ فِرَوشتِن ـ سو)

● فِرَهات = فرهاد ، یاری دهنده (۱ ـ فَرهات ـ مک ۲ ـ فَرهاد ـ سو،ار)

● فِرَهَنگ = فرهنگ (فَرهَنگ ـ سو، ار)

● فِرَهَنگیک = فرهنگی (فَرهَنگی ـ ار، سو)

● فِریَ آپ = پرآب (۱ـ پرَ آو ـ سو، ار ۲ ـ تِیژی آف ـ ز)

فِرَیات = فریاد (۱ ـ فَریاه ـ ار ۲ ـ فِریا ـ سو، ک)

● فِریَپ = فریب (۱ ـ فِریو ـ پ ۲ ـ فِریو ـ ار، سو)

● فِریفتَن = فریفتن ، گول زدن (۱ـ فِریونای ـ پ ۲ ـ فِریودان ـ سو،ار)

● فِریفتَک = فریب خورده (۱ ـ فِریو وَرده ـ پ ۲ ـ فِریوخوارِدگ ـ ار)

● فِریه = زیاد (فِریَ ـ پ ۲ ـ فِره ـ ار، ل)

● فِشَنجیتَن = پاشیدن ، پخش کردن (۱ ـ وَشانِن ـ ار ۲ ـ وَشاندِن ـ سو)

کا

● کا = هنگام (۱ ـ کات ـ پ ، ار ۲ ـ گاهَک ـ ز)

● کاپور = کافور (کافور ـ سو، ار، ز)

● کاچ = کاچ ، کاش ، کاشکی (۱ـ کاش ـ ار ۲ ـ کاشکای ـ ک ۳ ـ کاشکی ـ سو، ل)

● کار = کار (۱ ـ کار ـ سو، ار، ل ۲ ـ کَر ـ مک)

● کارآکاس = کار آگاه ، کارشناس (۱ ـ کارناس ـ ار ۲ ـ کارآشنا ـ سو)

● کارآکاسیه = کارآگاهی، کارشناسی (۱- کارناسی - ار ۲- کارآشنایی - سو)

● کارت = کارد، کزلک (۱- کارد - سو ۲- کیرد - مک ۳- ویرد - ار ۴- کارچو - ل ۵- کیوک - ز)

● کارفِرَمان = کارفرمان، کارفرما (کارفَرما - سو)

● کارنامک = کارنامه، جنگنامه (۱- کارنامه - سو، ار ۲- دیروک - ز، با)

● کاروانیک = کاروانی، کاربانی (کاروانی - سو، ار، ز)

● کاروان = کاروان (۱- کاروان - سو، ار، ز ۲- کادِم - ل ۳- مَکاره - مک)

● کادیک = کادی، داور، قاضی (۱- کاذی - گ ۲- قاضی - سو، ار)

● کاریک اوَمَند = کارمند، دارای نیروی کار (۱- کارمَند - سو ۲- کارمَن - ار، ک)

● کاریگر = کارگر، کارکننده (۱- کاریگر - ار ۲- کارگو - ک ۳- کِرِیکار - سو)

● کاریه دَست = کارِدست (کاری دستی - سو)

● کاریه وِیناس = گناهکاری (۱- گُناکاری - سو ۲- گُناجاری - ار)

● کاسوک = کاسه پشت، لاک پشت (۱- کیسَل - ار، سو ۲- کیسو - ز ۳- کوسَل - با)

● کاشتَن = کاشتن، کِشتن (۱- کوشتِه - ل ۲- کیدن - ار ۳- شانای - ۶)

● کاشنیک = کاسنی، کسنی (کاسنی - سو، ار)

● کاف کوف = کوه قاف (۱- کیفی قاف - ار ۲- کوی قاف - ۶ ۳- کیوی قاف - سو)

● کالومَک = قاقم، ۵ آس (۱- قاقوم - سو ۲- قاقِم - ار)

● کالپَت = کالب، کالبد (۱-

قالِب - ار، ۶، ۲ - کالِب - مک ۳ - ز، با)
کلوٚ - با)

● کام = کام، خواست (۱- کام - ار، سو ۲- کَوِژ - ز)

● کامَک = کامه، کام، آرزو (کامه - ار)

● کان = کان (۱- کان - ار ۲- کانگا - سو)

● کانکیه = چشمهٔ آب، فرکند (۱- کانی - سو، ار ۲- هانه - مک ۳- کَهنی - ز)

● کاه = کاه (۱- کا - سو، ار، ز ۲- که - ل ۳- کیٚ - گ)

● کاهـریزَک = ریزه کاه (۱- کاریٚزه - سو، ار ۲- ریزه‌که - ل)

● کَبوٚت = کبود، آبی رنگ (۱- کَوه - ار ۲- کَوو - سو)

● کَتام = کدام (۱- کام - سو ۲- کامه - ار ۳- کوٚمی - ل)

● کَتامچیٚ = کدام، چه‌کسی (۱- کوٚم چِه - ل ۲- کیٚها - ل ۳- کیشک - ز، با)

● کَتَس = کت، کاریز (کاریٚز - سو، ار، ک)

● کَتَسیک = کاریزی، کاریزکن (کاریٚزکَن - ار)

● کَخوَن = کهن (۱- کوٚن - ار، سو ۲- کَون - با ۳- کَفَن - ز)

● کَد = کَی، چه‌هنگام (۱- کَی - سو، ار ۲- کَینیٚ - مک)

● کَرّ = کر، ناشنوا (۱- کَرّ - سو، ار، ل ۲- کَهیر - با)

● کَراوه = قرابه، آوندشیشه‌ای بزرگ که در آن می ریزند (قَرّابه - سو، ار)

● کَرپ = لاشه، کالبدمرده (۱- کَلاک - ار ۲- لاک - سو ۳- جَندَک - ز)

● کَرت = ۱- کاره ۲- کِردار (۱- کیٚرد - مک ۲- کِردار - سو، ار)

● کَرتار = کردار (کِردار - سو،

● کُوتَنک = کوت، کوتو، تکه، بریده شده (۱-کوتِنک - ز ۲- کَوت - سو)

● کَوتَنک کَوتَنک = تکه تکه، تیکه تیکه (کَوتنک کوتنک - ز)

● کَوتَن = کردن (۱-کِردِن - سو، ار ۲-کَرده ی - ۳ ۶-کِرده - ل)

● کَوچَک = تکه، خُرده، تکهٔ کوچک (۱-کَوتِک - ز ۲-کارتِک - سو ۳- کَرک - با)

● کَوچَنک = خرچنگ، کلنجار (۱-کِرژِنگ - ل ۲ - قِرژانگ - ار ۲-قِرژال - سو ۳- کیقژاله - ز)

● کَوک = کوک، ماکیان، مرغ خانگی (۱-کَرگ - گ ۲ - کَرکه - ک ۳ - کَرگه - ۶ ۴- کِویک - با)

● کَوکاس = کرکس (۱-کَرگَس - ار ۲- کَرگَز - ک)

● کَوکیهَن = سنگ (۱-کَور - ۶ ۲- کَفِش - ز ۳- کَمِرک ۴- کُچِک - ار)

● کَوم = کِرم (۱-کِرم - سو، ار، ل ۲- کُرم - ز)

● کَویته = کلاته، کلامت، دژ (۱-کَلاّت - سو ۲- قَلاّت - مک ۳-قَلاّ - ار ۴ - قِلا - ل)

● کَس = کس (۱-کَس - سو، ار ل ۲ - کَسَک - ز)

● کَسان = کسان، نزدیکان (۱-کَسان - سو، ۲، ار کَسَکان - ز)

● کَست = گَس، بد، پلید، فرومایه (۱-گَست - ۶ ۲-گَس - گ)

● کَش = کَش، زیربغل، بغل (۱-کَش - ل، ار ۲- بِن کَوش - سو)

● کَشتیک = کشتی (کَشتی - سو، ار)

● کَشَک = زیربغل، بغل (۱-کَش - ل، ار ۲- بِن کَلیشه - مک)

● کَشیتَن = کشیدن (۱-کیَشان - سو، ار ۲- کَشیه - ل)

● کَفش = کفش (۱-کَوش - ار، سو ۲- کَوّش - ل)

• کَفشگر = کفشگر (۱- گوشکر
- ار، سو ۲- کوشکار - ل)

• کَفیز = کفیز (کویژ - ار)

• کُلوک = کلوک، کلوخ (۱-
کُلُو - ار ۲- کِلُو - سو)

• کَلیسائیک = کلیسائی، ترسا
(کلیسایی - سو، ار)

• کَم = کم، اندک (۱- کم - سو
، ار، ل ۲- کیم - مک)

• کَمان = کمان (۱- کمان -
سو ۲- کوان - ار ۳- کمو - ل ۴-
کمان - ز)

• کَمتَر = کمتر (کمتر - سو، ار)

• کَمَر = کمر، کمربند (کمر - ار
، سو، ز)

• کَم رَنجیه = کم رنجی (۱-
کم رَنجی - سو، ار ۲- کیم رَنجی - ز)

• کَمَند = کمند (۱- کمند - سو
، ع ۲- کمن - ار، ل)

• کَمیه = کمی، کمبودی (۱-
کمی - ار ۲- کمیتی - سو)

• کَنار = کنار، کران، لبه (۱-
کنار - سو ۲- کِنار - ار، ل، ز)

• کَنارَک = کناره، کرانه (۱-
کناره - سو ۲- کِناره - ار)

• کَنتار = کَننده (کَهلکَن - سو)

• کَمتَن = کندن (۱- کَندِن -
سو ۲- کَنِن - ار)

• کَندَک = کندک (۱- کَندَک
- مک ۲- خَندَک - ز ۳- خَنَک
- ار، ک) در تازی خندق شده

• کَندَن = کندن (۱- کَندِن -
سو ۲- کَنِن - ار)

• کَنیچ = کنیز، دختر (۱-
کَچ - ز ۲- کَچِک - با ۳- کَنیٰ -
سو ۴- کَنی - ک)

• کَنیک = دختر (۱- کنیله -
ار ۲- کِچ - سو ۳- کیژ - مک)

• کَنیژَنَک = دختر، دُخت (۱-
کَنیشک - ار ۲- کِنیک - گ ۳-
کِناچه - ع ۴- کَنی - ک)

• کَهروپاک = کهربا (۱- کارَبا

- سو، ار ۲- کارَوا - ک ۳- گَهروا - ل ۴- گهرُبان - ز)

● گَهون = کهن (۱- کوٚن - ار، سو ۲- گَون - با ۳- گَهُن - ز)

● گَهونیه = کهنی، کهن بودگی (۱- کوٚنی - سو، ار ۲- گَهُنی - ز)

● گَی = کی، بزرگ (۱- گَی - سو، ار ۲- گَیا - ز)

● گَی گَوات = کی قباد، کی غباد (گَی قواد - سو، ار)

● گَیوان = کیوان، ستارهٔ کیوان: (۱- گَیوان - سو، ار ۲- گَش - ک)

● گَی هوسرَو = کیخسرو (۱- گَیخُسرَو - ک ۲- گَیخَسرَو - سو)

● کوٚت = توده، گروه (۱- کوٚ - ار ۲- کوٚمَله - سو)

● کوٚتاه = کوتاه (۱- کوٚتا - ح، گ ۲- کُرت - سو، ار)

● کوٚخشیتَن = کوشیدن (۱- کوٚشین - سو، ار ۲- تیٚ کوٚشین - مک، ار)

● کوٚر = کور، نابینا (۱- کوٚر - ح، ز ۲- کور - ل ۳- کویٚر - سو، ار)

● کوٚریه = کوری، نابینائی (۱- کوٚری - ح، ز ۲- کوری - ل ۳- کویٚری - سو، ار)

● کوٚشیتار = کوشا، کوشش کنده (کوٚشیار - سو)

● کوٚشیشن = کوشش (کوٚشش - سو، ار)

● کوٚف = ۱- کوه ۲- تپه (الف): (۱- کیٚف - ار ۲- کیٚو - سو ۳- کوٚ - ح (ب): کوٚپ - ز)

● کوٚف ای پَتَشخوار = کوهِ پتشخوار (کیٚفی پتشحوار - سو)

● کوٚفتَن = کوفتن، کوبیدن (۱- کُتان - سو، ار ۲- کوٚفتهِ - ل ۳- گَلفاندِن - با)

● کوٚفیچ = قفیز، پیمانه (۱- گَوگیر - ار ۲- گَفگیر - ز)

● کوٚفیک = کوهی، کوهستانی (۱- کیٚفی - ار ۲- کیٚوی - سو)

● کۆک = کوچک (۱- کۆچک - ل ۲- کِچِک - ز ۳- گِچِک - سو ۴- بِچکۆله - ار ۵- چِکۆله - مک)

● کۆی = کوی (۱- کۆی - گ ۲- کۆدن - ار، سو ۳- کیچه - ل)

● کوٗ = کجا، کو، که (۱- کوره - گ ۲- کویٚ - سو، ار ۳- کۆ - ف)

● کوٗتینک = کدینه، کدین، چلش (گُتینک - سو)

● کوٗرت = کُرد (۱- کُرد - ار، سو، ل ۲- کِرمانج - ز، با)

● کوٗرتیک = کُردی (کوردی - سو)

● کوٗست = سوی، سون، طرف (آست - ز)

● کوٗشتار = کشتار (۱- کۆشتار - ل ۲- کُشتار - ار ۳- کُژتار - سو)

● کوٗشتَن = کشتن (۱- کۆشتِه - ل ۲- کُشتِن - ار ۳- کُژتِن - سو ۴- کُشته ی - ف)

● کوٗشک = کوشک (کۆشک یو)

● کوٗلَنک = کلنگ، پرندهٔ کلنگ (۱- قُلِنگ - ار ۲- قُلینگ - مک ۳- قُلَنگ - سو)

● کوٗن = کون، نشیمنگاه، سرین (۱- قوٗن - سو ۲- قِنگ - ار)

● کیٚ = که، کی، کدام؟ (کیٚ - سو، ار)

● کیٚم = کم، اندک (کیٚم - مک)

● کیٚم رَنج = کم رنج، بی رنج (کیٚم رَنج - مک)

● کیٚن = کین، کینه، دشمنی (۱- کین - ز ۲- قیٚن - ار ۳- کینه یو)

● کیٚنوَر = کینه ور، پر کینه (۱- کینه وَر - سو ۲- کین دار - ز)

● کیر = کیر (۱- کیر - ز ۲- کیٚر - سو، ار)

● کیرم = کرم (۱- کِرم - سو، ار، ل ۲- کُرم - ز)

● کیشت = کِشت (کِشت - ار، سو، ل)

● کیشت زار = کِشتزار (۱- کِشتزار - ل ۲- کِشت جار - ار)

• کیشوَر = کشور، سرزمین (کیشوَر - ھ - سو)

• کیشوِیچار = کشت (۱- کِشت و کار - ل ۲- کِشت و کاڵ - سو)

• کیمار = خار (۱- کیوارؒ - ار ۲- کیوار - ل)

• کیمتَر = کمتر (۱- کیمتِر - مک ۲- کَمتِر - ار، سو)

گا

• گائَن = گادن، گائیدن (۱- گایین - سو، ار ۲- گاین - ل)

• گازَر = گازر، رختشوی (گازِر - ز)

• گاس = گاه، جا، زمان (گا - ار، ھ، ل)

• گام = گام (۱- گوَم - ل ۲- گاف - ز ۳- هَنگاو - سو، ار ۴- پینگاف - با)

• گان = جان (۱- گیان - ار ۲- گییان - سو)

• گاو = گاو (۱- گاو - سو ۲- گا - ار، ز ۳- گوَ - ل)

• گاوَرس = گاورس، ارزن (۱- گاوِرس - ز ۲- گاڵ - ار، سو ۳- گوَورِس - ل)

• گاومێش = گاومیش (۱- گامێش - سو، ار، ز ۲- گامیش - ل)

• گاوێوت = چراگاه (۱- یورت - ھ ۲- وێورت - ار)

• گاه = گاه، زمان (۱- گا - ار، ھ، ل ۲- گاف - ز ۳- گاوه - با)

• گاهوارَک = گاهواره، گهوارہ (۱- گوَواره - ل ۲- گاواره - ار ۳- گافاره - با)

• گَموتَر = گوساله (۱- گوێره‌که - ار، سو ۲- گوێرک ۳- گوَلِک - ز ۴- گوسال - ل)

• گَت = گُرز (۱- گُرز - سو، ار ۲- گوَرز - ل)

• گَتَک = چاک، قباله (۱- کوڈه - با ۲- چاخ - ار)

• گَچ = گچ (۱- گچ - ار، ل ۲- گیچ - سو)

• گچِیْن = گچی (۱- گچین - ار ۲- گیچین - سو)

• گَر = ۱- تپه ۲- گر، کل، کچل (الف:) (۱- گِرِد - سو ۲- گردوُلِک - مک ۳- گِدوک - ز ۴- گَرّ - ل (ب:) ۱- گَرّ - سو، ار ۲- گر - ل)

• گَران = گران، پربها، سنگین (۱- گِران - سو، ار، ز ۲- گروُ - ل)

• گرانگان = تگرگ (۱- تِبِگر - ل ۲- تَنگرگ - ف ۳- گاریسوُک - ز)

• گَرت = گرد (۱- گَرت - ل ۲- گَرد - ار ۳- دِتام - با)

• گَرتانیتَن = گرداندن، چرخاندن (۱- گَرّاِن - ار ۲- گَرّاندِن - سو ۳- گَردَنهِ - ل)

• گَرتَن = گردن (۱- گَردَن - ار، ز ۲- گَردِه - ل)

• گَرتَن بَند = گردن بند (۱- گَردَوَن - ار ۲- گَردِوَن - ل ۳- گَردَنی - ز ۴- گَردَن بَند - سو)

• گَرتیتَن = گردیدن، چرخیدن (۱- گَرّان - سو ۲- گَرّیان - ار ۳- گَران - ز)

• گَرتیشن = گردش، چرخش (گَردِشت - م)

• گَرزان = گریان، نالان، شیون (۱- گِریان - ار ۲- گِرین - سو)

• گَرزیتار = گرزش کننده، ناله کننده (گازِندِه کَر - ز)

• گَرزیشن = گرزش، ناله، گله (۱- گازِندِه - ز ۲- گازاندِه - با)

• گَرم = گرم (گَرم - سو، ار)

• گَرمایک = گرمابه (۱- گرماو - سو ۲- گَرماف - ز)

• گَرماک = گرما (گَرما - سو، ز)

• گَرموُک = گرم (۱- گَرموُک - مک ۲- گَرّوُ - ل)

● گرمیه = گرمی (گرمی - سو، ار)
● گروُ = نیرو (۱- گرَ - ار ۲- گرِیک - ک)
● گروُتمان = گرزمان، آسمان (اَزمان - ز)
● گزدوم = گژدُم (کولاژدوُم - ل)
● گزَند = گزند، آزار، رنج (گزَنَه - ار)
● گزیتَن = گزیدن، گازگرفتن (۱- گزتِن - سو، ز ۲- گزین - ار)
● گزیرَک = جزیره (۱- گزیره - سو ۲- گراوه - ار)
● گزیشن = گزش، نیش زدگی (گزین - ار)
● گژاک = گزنده، نیش زننده (۱- گزَک - ز ۲- گزنده - ار)
● گژدَم = گژدُم (۱- کولاژدوُم - ل ۲- گلاشدُم - گ)
● گشت = گشت، گردش (گشت - ار، ج، ل، ز)
● گشتَن = گشتن (۱- گشتهِ - ل ۲- گشتِن - گ ۳- گیلیای - ج)
● گشنیج = گشنیز، سبزی گشنیز (۱- گشنیز - ل ۲- گژنیژه - سو ۳- گژنیژه - ک ۴- گژنیژ - ار ۵- گژنیژ - گ)
● گلوک = گلو (۱- گلو - ار ۲- گرو - سو، ز ۳- قُرَک - ک)
● گنج = گنج، گنجینه (گنج - سو)
● گنجوَر = گنجور (۱- گنجوَر - ج ۲- گنجدار - ار، سو)
● گنجوَریه = گنجوری (گنجوری - ج)
● گنجیَنَک = گنجینه (گنجینه - ار، سو)
● گَند = گند، بوی بد (۱- گند - سو ۲- گن - ار ۳- گندَژه - با)
● گندَک = گندیده (۱- گنیک - ار ۲- گنیو - سو ۳- گنی - ل)
● گندوُم = گندم (گنِم - ار، ز، ل)
● گندیتَن = گندیدن (گنین - سو، ار)

● گوانَن = گوزن ، گاوکوهی (گَوزَن - ار)

● گوال = گوال ، جوال (۱- گوّوال - ل ۲- جَوال - سو ۳- جُوال - ار)

● گور = دره کوه (گوّده - ل)

● گوربه = گودی (گوّدی - ل)

● گِرَو = گرو ، گروگان (۱- گِرَو - ار ، سو ۲- گِرِیّو - مک ۳- گَرَو - ز)

● گِرَوکرتَن = گروکردن (۱- گِرَوکِردِن - ار ، سو ۲- گِریّوکِردِن - مک)

● گِروّه = گروه ، دسته (۱- گُروّ - ار ۲- گِروّ - ک)

● گِرَویشَن = گروش ، باور (گِرَوِر - با)

● گِره = گره ، گره چوب (۱- گِریَ - سو ، ار ، ز)

● گِریان = گریان ، گریه کردن (۱- گِریان - ار ۲- گیریان - ک

۳- گِرینای - ۶)

● گِریس = گره (گِرِیَ - سو ، ار)

● گِریستَن = گریستن ، گریه کردن (گِرِین - سو)

● گِریفتار = گرفتار (گرفتار - ار ، سو)

● گِریفتَن = گرفتن (۱- گِرِتِن - سو ، ار ۲- گِردِن - ک ، گ ۳- گِرتِه ی - ۶)

● گِریناک = تندر ، تندور (۱- گِرمه - ار ۲- گُرّین - سو ۳- گوّله - مک)

● گیویوک = گریوه ، گردنه (۱- گِریوه - ار ۲- گِردوّلک - مک ۳- گِرده - سو ۴- گَرّ - ل)

● گِریه = گره (۱- گِریَ - سو ، ز ، ار ۲- گِره - ل)

● گیاک = جا (۱- جێگا - سو ۲- جێ - ار ۳- جاگه - ۶)

● گیان = جان (گیان - ار)

● گیاه = گیاه (۱- گیا - ار ، سو ، ز

۲- گیوا- مک)

● گۆر = ۱- گور، گورخو ۲- گور، گوه (۱- گۆر- ار ۲- گۆڕ- سو، ار، ک، گ)

● گۆز = گوز، گردو (۱- گۆز- م ، ز ۲- گوێز- سو، ار ۳- گِوِه‌کۆ- ل)

● گۆزی هیندوک = جوزِ هندی ، گردوی هندی (۱- گۆزی هیندۆک - ز ۲- گوێزی هندی- سو)

● گۆسپَند = گوسفند (گۆسپَند - ک)

● گۆش = گوش (۱- گۆش- م ۲- گۆش- ل ۳- گوێچکه- ار ۴- گوێ - سو ۵- گه- ز ۶- گۆ- با)

● گۆشت = گوشت (۱- گۆشت - سو، ار ۲- گوُشت- ل)

● گۆشتیۆن = گوشتین، گوشتی (گۆشتی- سو، ار)

● گۆشَک = گوشه (گۆشه- ار، سو)

● گۆشوار = گوشواره (۱- گوشواره - ل ۲- گۆشَواره - ار ۳- گُواره -

سو ۴- گُهار- ز)

● گۆشیتَن = گوش دادن (۱- گوُش دَیه- ل ۲- گویّ دان - سو)

● گۆفتَن = گفتن (۱- گُتِن- سو ۲- وتِن - ار ۳- گۆتِن - ز ۴- آخافتِن - با ۵- آخَفتِن - ز)

● گۆگَرت = گوگرد (۱- گۆگِرت - ار ۲- گوگُرت- با)

● گۆمیز = گمیز گاو، پیشاب گاو (۱- گۆمیز- ل ۲- میزی گا- ار)

● گۆن = گون ، رنگ (گۆن- گ)

● گۆنبَت = گنبد (۱- گُمبَز- مک ۲- گُمَز- ار ۳- گۆمه- ل)

● گۆنَک = گونه، چهره (۱- گۆنا - ار ۲- گُپ- ک ۳- کُلمه- سو)

● گۆنَک گۆنَک = گوناگون (گۆناگۆن- گ)

● گۆوا = گوا، گواه (گوا- ار)

● گۆواک = گویا، سخن‌گو (گۆیا - ار، گ)

● گۆویچار = گفتار (۱- گُتار- مک

٢- وِتار - سو، ار)

● گۆهەر = گوهر (١- گوهَر - ار، سو ٢- گوَر - ک)

● گۆیوت = چراگاه (ویۆرت - ار)

● گوٗچ = گردو (١- گوز - ۶، ز ٢- گوێز - ار، سو)

● گوٗربَک = گربه (١- گُربه - سو ٢- گُربه - ار ٣- گوروه - ل)

● گوٗرت = گرد، پهلوان، دلاور (گُرد - سو، ار)

● گوٗرتَک = گرده، کُلیه (١- گُورچِک - ار، ز ٢- گُرچیلِک - سو ٣- گُرچوێله - مک ۴- گۆرداله - ل)

● گوٗرسَکیه = گوسنگی (بِرسێتی - سو)

● گوٗرگ = گرگ (١- گُرگ - ار، سو ٢- وَرگ - ٣و۶- گۆرگ - ل ۴- گُر - ز)

● گوٗرسَنکیه = گرسنه (١- بِرسی - ار ٢- بِرسێتی - سو ٣- بِرچی - ز ۴- گۆسنەیی - ل ۵- وِرسی - ۶)

● گوٗشَنک = گرسنه، گشنه (گۆسنه - ل)

● گوٗل = گل، گل سرخ (١- گُڵ - سو، ار، ز ٢- گوڵ - ل ٣- وِڵ چ)

● گوٗلزار = گلزار (گُڵزار - سو، ار)

● گوٗمان = گمان (١- گُمان - سو، ار، ز ٢- گۆمان - با)

● گوٗمبت = گنبد (١- گُمبز - مک ٢- گۆمه - ل ٣- گُمبز - ار)

● گوٗمێ = با، باهم (١- لەگەڵ - سو ٢- دَگَل - مک ٣- گرد - گ)

● گومێختَک = آمیخته (١- آمێته - سو ٢- آوێته - ار ٣- آمێته - ز)

● گوٗناک = گناه (١- گونا - ل ٢- گُناه - سو ٣- گُناح - ار ۴- گُنه - ز)

● گوٗند = گند، خایه (١- گون - ل ٢- گُن - سو، ار ٣- گُنک - ز)

● گوٗه = گه، پلشتی (١- گوٗ - سو، ار

گ

، ز ۲- گی - ل)

● گوْەوُرت = سرگین گردان، گوگردانَک (۱- گوُگِلوکَرکَ- ک ۲- کیْژ - با ۳- کیْژکَ- ز ۴- گی گِلوْ - ل)

● گیْتاه = گیتی (گیتی - گ ، سو)

● گیْس = گیس ، گیسو (۱- گیْس - ار ۲- گیس - ل)

● گیْن = گینه ، آبگینه ، آئینـــه (آفگینه - ز)

● گیْواک = جا ، جایگاه (۱- جیْگا - سو ۲- جیْگه - ار)

● گیْهان = گیهان ، جهان (گیهان - سو ، گ)

● گیران = گران ، سنگین (۱- گران - سو ، ار ، ز ۲- گِروْ - ل)

● گیوت = گِرد ، لَنبه (۱- گِرد - ار ، سو ، ل ۲- بەگَروّ - مک)

● گیل = گِل ، خاک (۱- گِیل - ز ۲- گِل - سو ، ار)

● گیلک = گلک ، گِله (۱- گِلـه - سو ، ار ۲- گِلی - ل)

● گیلیْن = گلی ، خاکی (۱- گیلین - ز ۲- گِلین - سو ، ار ۳- گِلی - ل)

● گیوَک = گیوه ، کفش (گیوه - ار ، ل)

ل

● لاف = لاوه ، لابه (۱- لابه - ار ۲- لالکه - ل ۳- لاڤه - ز)

● لَپ = لب (۱- لَو - گ ۲- لوّ - ل)

● لَوزیتَن = لرزیدن ، جنبیدن (۱- لَوزین - سو ، ار ۲- لَوزِسه - ل)

● لَشکَر = لشکر ، سپاه (۱- لَشکر - ار ۲- لَشکِر - سو)

● لَف = لفج ، لَو ، لب (۱- لیْف - ز ۲- لِچ - ک ۳- لیْو - سو ، ار ۴- لَو - گ)

● لوتَک = لوت ، لخت ، برهنه (۱- رُوت - سو ۲- لوت - ار ۳- قوست - ک ۴- ریت - ل ۵- زَلوت

- ز، با)

●لیستن = لیسیدن (۱-لیشتن -ار ۲- لیسان -ک ۳-آنوستن -با ۴-لستن-سو ۵-لشتہ-ل)

●لیشتن = لشتن، لیسیدن (۱- لشتہ-ل ۲- لیستن-مک ۳- لیسیان -ار ۴- آلیستن - ز ۵- آنوستن - با)

ما

●مائک = مادہ (۱- ما- ار، ل ۲- میچلہ -سو ۳-مہا-با ۴-میّ -مک، ز)

●مائیان = مادیان (۱- مایین - ار، سو ۲- مایَن -مک ۳- ماهین -گ ۴- مؤهوَ-ل)

●ماد = ماد، تیرۂ ماد، کُرد (ماد- سو، ار، ز)

●مادیک = مادی (مادی-سو، ار، ز)

●مادیگان = مادها، کُردها (مادَکان -سو)

●مار = مار (مار -سو، ار، ز، ل)

●مارکرپیہ = مارپیکر (مارپیکر -سو، ار، ک)

●مالیشن = مالش (۱- مالِشت -ار ۲- مالین - سو)

●مانتن = ماندن (۱-مان-ار-۲- مانہوہ - سو ۳- مَنِ-گ ۴-مَنہ -ل ۵- مایین - ز)

●مانک = مانہ، ابزارخانہ (مان - سو، ار، ک)

●ماہ = ماہ (۱- ما-ل ۲- مانگ - سو، ار ۳- مؤنگ - ۶، گ)

●ماهان = مهمان (۱-میوان -سو، ار ۲- میمان-ک ۳-میهمان -با ۴- میمؤ-ل ۵- میهمان-ز)

●ماهیک = ماهی، پرویز (۱- مایی-ل ۲- ماسی-سو، ار، ز ۳- ماساو -۶)

● مَتَن = آمدن (۱- هاتِن - سو ، ار ۲- آمای - ه)

● مَخش = مگس (۱- مێش - سو ، ار ، ز ۲- مَشی - گ)

● مَد = می ، باده (مَی - سو ، ار ، ه ، ز)

● مَدگوّن = میگون ، برنگ می (مَی گوّن - ه)

● مَدیه = مَی ، باده‌ئی (مَیِ - سو ، ار ، ه ، ز)

● مَرت = مرد ، کاک (۱- مَرد - ار ، ل ۲- مَرتیه - گ ۳- مَرێه - با ۴- مرۆڤ - ز)

● مَرتانَک = مردانه (۱- مَردانه - ار ، سو ۲- مَردوّنه - ل)

● مَرتانَکیه = مردانگی ، دلیری (۱- مَردی - ار ، ل ۲- مَردایَتی - سو ۳- پِروّمایێتی - ز)

● مَرتوّم = مردم ، ازتخمۀ کاک (۱- مَردُم - سو ۲- مَردِم - ار ، ل)

● مَرتوّم دوّستیه = مردم دوستی (۱- مَردُم دوّستی - سو ۲- مَردِم دوّسی - ار)

● مَرز = مرز (مَرز - ار)

● مَرزپان = مرزبان ، مرزدار (مَرزَوان - سو ، ار)

● مَرزَنگوّش = مرزنگوش (۱- مَرزِنگوّش - ک ۲- مَرزَنجوش - ار)

● مَرگ = مرگ (مَرگ - سو ، ار)

● مَرواریت = مروارید (۱- مِرواری - سو ، ار ۲- مۆرواری - ل)

● مَزدَیَسن = مزدیسن ، مزدا پرست (مَزدَسنی - سو)

● مَزَک = مزه ، چشه (۱- مَزه - سو ، ار ۲- مِزه - ل)

● مَژَگ = مژه ، مژگان (۱- مِژِنگ - ل ۲- بژانگ - مک ۳- بِرژانگ - سو ، ار ۴- بِژوِنگ - ز)

● مَزگ = مغز ، مغزسر (۱- مَزگ - ل ۲- مَژگ - ار ۳- مێژک - مک ۴- مێشک - سو)

● مَزگت = مزگت ، مسجد

(۱- مِزگِت - ار ۲- مِزگِفت - ک
۳- مِزگوت - سو ۴- مِزگی - ۶
۵- مِزگِفت - ز)

● مَزَن = بزرگ، نیرومند،
مَس (۱- مَزِن - سو ۲- مازِن - ز)

● مَزناه = میغ، مه، ابر (۱-
مِژ - سو، ار، ز ۲- مِژک - با)

● مَست = مست (۱- مَست -
سو، ز ۲- مَس - ار، ل)

● مَسترگ = مغز (۱- میشک -
سو ۲- مَژالک - با ۳- مَژی - ز)

● مَستوّرگ = مغز (مَژگ - ار)

● مَستیه = مستی (۱- مَستی - سو
۲- مَسی - ار، ل)

● مَگَس = مگس (۱- مَگس -
ل ۲- مَگز - ار ۳- مَیس - ف)

● مَگَر = مگر (۱- مَگَر - سو، ار
۲- مو - ۶، ل)

● مَلَک = ملخ (۱- کُله - ار ۲-
کُلّه - سو ۳- کوّلّه - ل ۴- کولپ
- ک ۵- کُلِی - ز)

● مَنگ = منگ، بنگ (بَنگ
- سو، ار)

● مَهمانیه = مهمانی (۱- مِهمانی
- ز ۲- میوانی - سو، ار ۳- میمویی
- ل)

● مَی = می (مَی - سو، ار، ل)

● موّر = مور، مورچه (۱- موّر
- ک ۲- مِروّچه - ار ۳- میرو -
سو ۴- موّری - ز)

● موّرچک = مورچه (۱- میروچه
- سو ۲- مِریش - ل)

● موّزد = مزد، پاداش (۱-
موّز - ل ۲- مِز - سو، ار)

● موّی = مو، موی سر (۱- مو
- سو، ار، ز ۲- می - ل)

● موُرت = مورد، درخت مورد
(۱- موّرت - سو ۲- موّرد - ار
۳- موّرتک - ز)

● موُرتَن = مردن (۱- مِردِن
- سو، ار ۲- مَردهی - ۶ ۳- مِرن
- ز، با)

● مۆژِک = مژه، مژگان (موژادنگ - با)

● موست = مشت، کف دست (مِست - سو، ز)

● موشت = مشت (۱- مِشت - سو، ار ۲- مۆشک - ل)

● مێچ = مژه، مژگان (۱- مێژمیلانک - ز ۲- مِژه - ار)

● مێچک = مژه، چشمه (۱- مێلڈک - ار ۲- مَژه - سو، ار)

● مێخ = میخ (۱- مێخ - ار ۲- میخ - ل)

● مێدان = میدان، میدانِ جنگ (۱- مَیان - ار ۲- مَیدان - سو ۳- میێو - ل ۴- مِیدان - ز)

● مێرک = میره، شوهر (۱- مێرِک - ز ۲- مێرد - سو ۳- میره - ل)

● مێزیتَن = میزیدن، شاشیدن (۱- مێزتِن - ار ۲- میزتِن - سو)

● مێژوک = مژگان، مژه (۱- موژانک - با ۲- مِژوَل - مک ۳- مِژانک - ز)

● مێش = میش، گوسفند (۱- مِئ - سو ۲- مِی - ل ۳- مِهی - مک ۴- مێشِن - ز)

● مێشک = میزک، شاش (۱- مێز - ار ۲- میز - سو، ز)

● مێن = مَنِش، اندیشه (۱- مِنه - سو ۲- مَن - ار)

● میتر = میتر، مهر (۱- مێر - ار ۲- میهر - سو)

● میترَگان = مهرگان، جشنِ مهرگان (۱- میهر گیان - سو ۲- مێهره گان - ار)

● میترۆبان = مهربان (۱- مێرَوان - ار ۲- مێهرَبان - سو)

● میزد = مزد، پاداش (۱- مِز - سو، ار ۲- پێمزک - ز)

● میزدوَر = مزدور، مزدبر (مِزوَر - سو، ار)

● میناک = مینا، آبگینه (

مینا - سو، ار، ز، ک)	(۱ - میوه - سو، ار، ک ۲-
● میوَک = میوه، بر، بار	میڤه - ز، با)

نا

● ناڤیریک = بانو (۱ - یای -	۳ - ناڤِک - ز)
مک ۲ - بانوَ - سو ۳ - بانو - ار)	● نالون = نادن، ناله کنان (
● ناخَن = ناخن (۱ - ناخوین -	ناڵون - سو، ار)
ار ۲ - ناخُن - سو ۳ - ناخوَ - ل ۴ -	● نام = نام (۱ - نام - ھ ۲ - ناو
نوخان - با)	- سو، ار ۳ - ناڤ - ز ۴ - نیَو - مک
● ناخوَن = ناخن (۱ - ناخون -	۵ - نیَڤ - با ۶ - نوَم - ل)
کث ۲ - ناھون - ھ ۳ - نینوَک	● نامَک = نامه (۱ - نامه - ار ۲ -
- مک ۴ - نَینوک - ز)	نامیلکه - سو)
● نازوک = نازو، نازدار (۱ -	● نان = نان (۱ - نان - سو، ار،
نازوکی - سو ۲ - نازکیٚ - مک ۳ -	با ۲ - نوَ - ل ۳ - نین - ز)
نازدار - ار، ل ۴ - نازی - ز)	● نای = نای، نَی (نای - سو
● نازیک = نازک، پاز (۱ -	● نای سَرای = نای سرا، نی نواز
نازِک - ار، ل ۲ - نازِک - سو)	(نای ژَن - سو)
● ناشتَک = ناشتا (۱ - ناشته	● نَپَت = نوه، نواده، فرزندزاده
- گث ۲ - ناشتا - سو، ار)	(۱ - نَوَه - ار، سو ۲ - نَوی - مک
● نافَک = نافه، ناف، ناخ (	۳ - نَڤی - ز)
۱ - نافه - ل ۲ - ناوِک - سو، ار	● نَبَرد = نبرد، جنگ (۱ -

نَبَرد - سو ۲ - نَوَرد - ار)

● نَبیرَک = نبیره (۱- نَبیره - گ ۲ - نَویره - ار ۳ - نَقی - ز)

● نَخچیر = نخچیر ، شکار (۱- نَخچیر - گ ۲ - نَچیر - ار ۳ - نیچیر - سو ، ز ۴ - نِچیر - مک)

● نَخشَک = خوبرو ، زیبا (۱- نَشمیل - سو ۲ - نَشمه - ل)

● نَر = نر (۱- نَره - ل ۲ - نیَر - سو ، ار ، ز)

● نَرگیس = نرگس (۱- نَرگِس - ار ۲ - نیَرگِس - سو ۳ - نیَرگِز - ز ۴ - نَرگِز - کث)

● نَرم = نرم (نَرم - سو ، ار)

● نَرم کوتَن = نرم کردن (۱- نَرم کِردِن - سو ، ار ۲ - نَرم کودهی - ل)

● نَریه = نری (نیَری - سو)

● نَزار = نزار ، لاغر (۱- نِزار - م ۲ - لَواز - سو ۳ - زِراو - مک ۴ - زَریچی - با ۵ - ژار - ز)

● نَزدیک = نزدیک (۱- نِزیک - سو ، ار ، ل ۲ - نیَزیک - مک ۳ - نیزیک - ز ۴ - نِزاو - م)

● نَزدیکیه = نزدیکی (۱- نِزیکی - سو ، ار ، ل ۲ - نیَزیکی - مک)

● نَستَرَوَن = نسترون ، نسترن (۱- نَستَرَن - ار ۲ - نَسرین - سو)

● نَفرین = نفرین ، نفرید (۱- نِفرین - ار ، با ۲ - نِفری - ل ۳ - نِفِر - ز)

● نَم = نم ، نمچ (۱- نِم - سو ، ار ، ل ۲ - نیَم - مک)

● نَماچ = نماز (۱- نِماز - ل ۲ - نِما - م ۳ - نویَژ - سو ، ار ۴ - میَژ - ز)

● نَسب = نَم (نِمَتک - سو)

● نَمَت = نمد ، لُکین (۱- نِمِد - ل ۲ - نِمَد - سو ۳ - نَوو - کث ۴ - نَوک - ار)

● نَمَک = نمک (۱- نِمَک - ل ۲ - مَکی - کث)

● نَندَر = تو ، داخل (۱- هُندُرَ

- مک ۲- چندرو - ز)

● تَنگ = تنگ (تَنگ - سو،ار)

● نَو = نُه، شمارهٔ نُه (۱- نَه - ز ۲- نۆ - سو،ار)

● نَوَت = نود، ۹۰ (۱- نَوَه - سو،ار ۲- نوَت - با ۳- نَهویت - ز)

● نَوَزده = نوزده (نۆزده - ار ،سو،ز)

● نَه = نه، ۹ (نَه - ز)

● نَهُم = نُهم (۱- نَهُم - ز ۲- نۆهُم - ار ۳- نۆهَم - سو)

● نَهوَت = نود، ۹۰ (۱- نَهویت - ز ۲- نُهت - با ۳- نَوَد - سو، ار)

● نَی = نی، نای، غرو (نَی - ار)

● نِیاز = نیاز (نِیاز - سو،ار)

● نِیازۆمَند = نیازمند (۱- نِیازمَند - سو ۲- نِیازمَن - ار)

● نِیازۆمَندیه = نیازمندی (۱- نِیازمَندی - سو ۲- نِیازمَنی - ار)

● نِیاک = نیا، پدربزرگ (نِیا - ار، ک)

● نۆک = نو، تازه (۱- نۆ - ار، ھ ۲- نوێ - سو ۳- نُو - ل ۴- نِقار - با ۵- نی - ز)

● نۆک رۆچ = نوروز (۱- نۆرۆچ - ھ ۲- نورۆز - ار ۳- نوێ رۆژ - سو)

● نۆک زات = نوزاد (۱- نُوزا - ل ۲- نۆزکه - ار ۳- نۆسکه - سو، ک)

● نیٚ = نه، هیچ (۱- نه - ار، ل ۲- نَو - سو ۳- نۆء - ز)

● نێچک = نیزه (نێزه - سو)

● نێرۆک = نیرو (۱- نێرۆ - ار ، سو ۲- نێرَوان - با)

● نێزَک = نیزه (۱- نێزه - سو ۲- نَیزه - ار)

● نێم = نیم، نیمه (۱- نیم - ار ۲- نیو - سو ۳- نیڤ - ز)

● نێم تاریک = نیمه تاریک (نیوه تاریک - سو)

● نێم دینار = نیم دینار (۱- نیم دینار - ار ۲- نیو دینار - سو)
● نێمک = نیمه (۱- نیمه - ار ۲- نیوه - سو)
● نیپیستار = نویسنده (۱- نوِیسیار - سو ۲- نِفیسکار - ز)
● نیپیستن = نوشتن (۱- نوسین - سو ۲- نوِیسین - ک ۳- نِفیسین - ز ۴- نیسَنِه - ل)
● نیتک = ژرفا (۱- تَرک - ار ۲- تَنک - سو)
● نیرمَت = کمک، یاری (۱- یارمَتی - سو ۲- مَهت - ل)
● نیشاستک = نشاسته، داروی نشاسته (۱- نیشاسته - سو ۲- نِشاسه - ار)
● نیشان = نشان (۱- نیشان - سو، ز ۲- نیشانه - ار)
● نیشَست = نشست، جای نشستن (نِشین - ک)
● نیشستک = جا، نشیمن (نیشتمان - سو)
● نیشَستَن = نشستن (۱- نیشتِن - سو، ار ۲- نیشتەی چی)
● نیشیب = نشیب، سراشیبی (۱- شیو - ار ۲- نِشیف - ز ۳- نِشوُف - با)
● نیلوپَر = نیلوپر، نیلوفر (۱- نیلوپَر - ار ۲- نیلوفَر - سو ۳- لیلوپَر - ک - ک ۴- لیلوفَر - ل)
● نیماییشن = نمایش، نشاندادن (۱- نمانای - ۶ ۲- نمان - گ ۳- نِوان - ار، سو)
● نیموتَن = نمودن، نمایش دادن (۱- نِواندِن - سو، ار ۲- ونارای - گ)
● نیوَندک = چدار، پابند، شکیل (۱- پێوَند - سو ۲- پێوَن - ار)
● نیهات = نهاد، سرشت (۱- نیهاد - سو ۲- نِهاد - ار)
● نیهاتَن = نهادن، گذاشتن (۱- نِیان - ک ۲- دانیان - ار ۳-

دانان ـ سو)
● نیهال = نهال (۱ ـ نیهال ـ مک ۲ ـ نَمام ـ سو، ار)
● نیهان = نهان (۱ ـ نیهان ـ ار ۲ ـ نِهێن ـ سو)
● نیهانیه = نهانی، پنهانی (۱ ـ نیهانیٔ ـ ار ۲ ـ نِیانی ـ ک ۳ ـ نهێنی ـ سو ۴ ـ تَهێنی ـ مک)

وا

● وات = باد (۱ ـ وا ـ ﻫ ۲ ـ ڤا ـ ز ۳ ـ با ـ سو، ار ۴ ـ بای ـ ل)
● واتام = بادام (۱ ـ بادام ـ ار، سو ۲ ـ بایم ـ ل ۳ ـ باهیڤ ـ ز ۴ ـ باهێڤ ـ با)
● واچار = واچار، بازار (۱ ـ بازار ـ ار، ل ۲ ـ باژێر ـ سو)
● واچک = واژه، گفتار (۱ ـ واچه ـ ﻫ ۲ ـ واته ـ ار ۳ ـ واژه ـ گ ۴ ـ وِشه ـ مک، سو)
● واچیتَن = گفتن، واژیدن (۱ ـ ویٚژتِن ـ ار ۲ ـ واچه‌ی ـ ﻫ ۳ ـ واته‌ی ـ گ ۴ ـ وتِن ـ ار ۵ ـ گُتِن ـ سو، مک)
● واچیک = بازی (۱ ـ وازی ـ ار ۲ ـ بازی ـ ل)
● واران = باران (۱ ـ واران ـ ﻫ ۲ ـ ڤاران ـ ز ۳ ـ باران ـ سو، ار ۴ ـ بارۆن ـ ل)
● وارانیک = بارانی (۱ ـ وارانی ـ ﻫ ۲ ـ بارانی ـ سو، ار ۳ ـ بارۆنی ـ ل)
● واریتَن = باریدن (۱ ـ وارین ـ ک ۲ ـ ڤارین ـ ز ۳ ـ سو، ار)
● والین = بالین (۱ ـ باڵین ـ ار ۲ ـ بالیف ـ سو)
● وانگ = بانگ، فریاد (۱ ـ وانگ ـ گ ۲ ـ بانگ ـ ار، سو)

• واوَر = باور (۱- باوَرّ - ار ۲- بِرّوا - سو)

• وایَنْدَک = پرنده، بالوار (۱- بالِنده - سو ۲- بالوَنه - ل ۳- بالِنه - ار)

• وَت = بد، ناپسند (۱- وَد - ل ۲- بَد - ار)

• وَت بَخت = بدبخت (۱- وَدبَخت - ل ۲- بَدوَخت - ک ۳- بَدبُخت - ار، سو)

• وَت خیم = بدخیم، بدخو (۱- بَدخو - سو ۲- بَدهیم - گ ۳- بَدتوزم - با)

• وَتیه = بدی (۱- وَدی - ل ۲- بَدی - ار، سو)

• وَچ = واژه، سخن (۱- واچه ۲- وشه - مک، سو)

• وَچک = بچه، کودک (۱- وَچله - گ ۲- بَچله - ار ۳- بَچه - ل ۴- بیچو - سو)

• وَراغ = کلاغ (۱- قالُو - ار گ)

۲- قَل - سو ۳- قِلا - ل)

• وَرت = گرد (۱- گَرت - ل ۲- گَرد - ار)

• وَرز = ورز، کشت (وَرز - ز)

• وَرزیتار = کشاورز (۱- وَرزیار - ار ۲- وَرزیَر - سو)

• وَرزیتاریه = کشاورزی (۱- وَرزیاری - ار ۲- وَرزیَری - سو)

• وَرَک = بره، بچهٔ گوسفند (۱- وَرک - ل ۲- وَره - ۳ ۳- بَرخ - سو، ار، ک)

• وَرگ = برگ (۱- بَوگ - سو ۲- وَلگ - ۳)

• وَرم = بَرم، ازبر (۱- جه وَر - ۳ ۲- لَه بَر - سو ۳- اَزبَر - ز)

• وَزدوَریه = نیرو (۱- وِزه - سو ۲- زَبر - سو)

• وَزر = گُرز (۱- گُرز - سو، ار ۲- گوَرز - ل)

• وَزورگ = بزرگ (وزُرگ - گ)

● وَزورگیه = بزرگی (وُزرگی - گ)

● وَستَن = بستن (۱- وَستِن - ک ۲- بَستِن - سو، ار ۳- بَستِه - ل)

● وَفر = برف (۱- وَفر - ۶ ۲- وَرب - گ ۳- بَفر - سو، ار ۴- بَرف - ل ۵- ڤور - ز ۶- ڤَوقه - با)

● وَفرین = برفی، برف آلود (۱- وَفرین - ۶ ۲- بَفرین - سو)

● وَلگ = برگ (۱- وَلگ - ۶ ۲- بَلگ - ار، با ۳- گَلّا - سو ۴- بِلک - گ)

● وَنجیشک = بنجشک، گُنجشک (۱- مَلیچِک - ار ۲- مِلی چِک - ل ۳- چِوّلکه - سو)

● وَنفشک = بنفشه (۱- وَنَوشه - ار ۲- وَنَوش - ک ۳- بنوشه - سو ۴- بِنوّشه - ل)

● وَهار = بهار (۱- وَهار - ۶ ۲- بَهار - سو، ار ۳- بِهار - ل ۴- بوهار - مک ۵- بُهار - ز)

● وَهاک = بهاء، ارزش (۱- بِها - با ۲- بَها - ار ۳- بُها - ز)

● وَهانَک = بهانه (۱- بَهانه - سو ۲- بیانِک - ار)

● وَهیشت = بهشت (۱- بَهَشت - ار، سو ۲- بُهیشت - ز)

● وَهیشتیک = بهشتی (۱- بَهَشتی - ار، سو ۲- بُهیشتی - ز)

● وَهیک = بُزغاله (۱- کار - ار ۲- کارژوّله - سو ۳- کَهرک - ز)

● وِیاپان = بیابان (۱- وِیاوان - ک ۲- بِیاوان - ار ۳- بیاوو - ل)

● وِیاوان = بیابان (۱- وِیاوان - ک ۲- یاوان - ار ۳- بیابان - مک)

● وێختَن = بیختن (۱- بێژتِن - مک ۲- وێژاندِن - سو ۳- بێژانِن - ار ۴- وێژانِن - ک)

● وێراستَن = آراستن، پیراستن (۱- ویراستهی - ۶ ۲- وراستِن - گ)

● وێستن = انداختن (۱- وستن- کت ۲- خستن- سو، ار ۳- وزتن- گ ۴- وستەی- ه)

● وێشک = ویشه، بیشه، جنگل (۱- وێشه- ه ۲- بێشه- سو، ار)

● وێمار = بیمار، ناخوش (۱- بێمار- سو ۲- بیمار- ار)

● وێن = دم، زهشت (۱- بێن- مک ۲- بیهن- با ۳- هَناسه- سو)

● ویپک = بیوه، بیوه‌زن (۱- بێوه- سو، ار ۲- بیوه- ل)

● ویت = بید، درخت بید (۱- بید- ل ۲- بی- سو، ار)

● ویتار = گذار، گذر، گذرگاه (۱- بِگار- ار ۲- بِوار- سو ۳- بِڤار- ز)

● ویتَرت = گذشته، درگذشته (ویَرده- ه)

● ویتَرتن = گذشتن (۱- ویَردن- گ ۲- ویَردەی- ه)

● ویتَست = بوست، وژه (۱- بتِست- مک ۲- بهۆست- با)

● ویتیست = وَجب، وژه (۱- بِست- سو ۲- بۆست- ز ۳- بنگِس- ار)

● ویچست = سرواد، بند، سروده (۱- هَلبَست- سو ۲- هَلوَس- ار)

● ویخازیشن = خواسته، خارخار (۱- خوَستک- ز ۲- خوازَک- ار)

● ویر = ویر، هوش (۱- ویر- ه، ل ۲- بیر- سو، ار)

● ویراز = گُراز (۱- وِراز- ل ۲- بَراز- سو ۳- گُراز- ار)

● ویرینج = برنج، برنج خوردنی (برِنج- سو، ار، ل)

● ویست = بیست (۱- بیست- سو ۲- بیس- ار ۳- ڤیس- ز)

● ویشاد = گشاد، فراخ (۱- وشاد- کت ۲- گُشاد- ار)

● ویلک = بیل (۱- بێرک- مک ۲- بێل- سو، ار)

● ویماریستان = بیمارستان (۱- بیمارِستان- سو ۲- بیمارسان- ار)

● ویمان = بهانه (بیانو-سو)

● ویمانک = بهانه (بیانک-ار)

ها

● هامیٚن = تابستان (۱-هامِن-۶ ۲-هاوین-سو ۳-هاقین-ز)

● هامینیک = تابستانی (۱-هامِنی-۶ ۲-هاوینی-سو ۳-هاقینی-ز)

● هاوَن = هاون، یانه (۱-هاوَن-گ ۲-آوان-ار ۳-آوَن-ک ۴-هَوَنگ-ل)

● هاوَند = همانند، مانند (۱-هَمْبَر-ز ۲-بَرَبهَق-با)

● هایک = هاک، تخم مرغ (۱-هیٚلکه-ار ۲-هیٚک-ز ۳-هیٚله-۶)

● هَت = اگر (هَکه-ز)

● هَج = از (۱-اَج-۶ ۲-اَژ-گ ۳-ژَ-ل ۴-ژِ-با ۵-له-سو)

● هَجَدَر = زیر، درزیر (۱-جیٚر-۶ ۲-ژیٚر-سو، ار)

● هَر = هر، همه (۱-هَر-ار، سو ۲-هَمی-ز ۳-هَمو-سو)

● هَرایٚوَک = هریک (۱-هَرایٚک-ز ۲-هَرَیک-سو، ار)

● هَرچیٚ = هرچه (۱-هَرچیٚک ۲-هَرچی-سو ۳-هَرچه-ار)

● هَرچیٚغوٚن = هرچون، هرگونه (۱-هَرچِلوٚن-سو ۲-هَرچوٚن-ار)

● هَزَر = راهزن، دزد (۱-جَرده-سو ۲-رازَن-ار)

● هَزَرَگ = هرزه (۱-هَرزه-سو، ار ۲-گِروزه-مک)

● هَست = هست (هَس-ار)

● هَشت = هشت (هشت-سو)

● هَشتاٰت = هشتاد (۱-هَشتا-سو، ار ۲-هَشتیٚ-ز)

● هَشت ده = هجده، هیجده (

هَژده ـ سو، ار)

● هَشت دَهُم = هجدهم (۱ـ هَژ دَهُم ـ ار ۲ـ هَژدَهَم ـ سو)

● هَشت سَت = هَشت سَد (هَشت سَد ـ سو، ار)

● هَشتُم = هشتم (۱ـ هَشتِم ـ ار ۲ـ هَشتَم ـ سو)

● هَفت = هفت (۱ـ هَفت ـ ل ۲ـ حَفت ـ ار ۳ـ حَوت ـ سو)

● هَفتات = هفتاد (۱ـ هفتا ـ ل ۲ـ حَفتا ـ ار، سو)

● هَفتده = هفده (۱ـ هفده ـ ز ۲ـ حَفده ـ ار، سو)

● هَفتدَهُم = هفدهم (۱ـ هَفدَهُم ـ ز ۲ـ هَفدَهَم ـ سو)

● هَفت سَت = هَفت سَد (۱ـ هَفت سَد ـ ل ۲ـ حَفت سَت ـ مک)

● هَفتُم = هفتم (۱ـ هَفتُم ـ ل ۲ـ حَفتُم ـ ار ۳ـ حَوتَم ـ سو)

● هَکَر = اگر (۱ـ هَکه ـ ز ۲ـ هَگَر ـ گ ۳ـ اَگَر ـ ار، سو، با ۴ـ اَگه ـ ک)

● هَکَرچ = هرگز، هیچگاه (۱ـ هَرگیز ـ سو ۲ـ هَرگیس ـ ار)

● هَم = ۱ـ هَم، نیز ۲ـ هَستَم (هَم ـ سو)

● هَمار = همار، شمار (۱ـ هَمار ـ ار ۲ـ اَژمار ـ مک ۳ـ ژِمار ـ سو)

● هَمارێنیتَن = شماریدن، شمردن (۱ـ اَژماردِن ـ مک ۲ـ ژِماردِن ـ ار، سو)

● هَماک = همه (۱ـ هاماو ـ گ ۲ـ هَمو ـ سو ۳ـ هَمی ـ ز)

● هَماهل = همال، مانند، انباز (۱ـ هاوَل ـ سو ۲ـ هَوال ـ مک ۳ـ هَفال ـ با ۴ـ هَفبَر ـ ز)

● هَم اَیار = همیار، دوست (۱ـ هَم یار ـ ار ۲ـ هاویار ـ سو ۳ ـ آمبا ـ گ)

● هَمبار = انبار (۱ـ هَمار ـ ار ۲ـ اَمبار ـ ل ۳ـ انبار ـ سو)

● هَمباز = همباز، انباز (۱- هَڤپا - با ۲- هَڤا - ز)

● هَم بای = همیار، دوست (آمیای - گ)

● هَمتاک = همتا، همانند (۱- هَمتا - ار ۲- هاوتا - سو)

● هَم دێن = هم دین ، هم کیش (۱- هاودین - سو، ار ۲- هَڤ دین - ز)

● هَم راس = همراه ، دوست (۱- هامرا - هو ۲- هاورێ - سو ۳- هَڤری - ز)

● هَم سایک = همسایه (۱- هِمسایه - با ۲- هاسا - هو ۳- هاوسا - ار ۴- هاوسێ - سو ۵- هۆم سا - ل)

● هَمکار = همکار (۱- هاوکار - سو، ار ۲- هۆمکار - ل)

● هَمَهیه = همگی (هَموی - سو)

● هَمێ = همی، همه (۱- هَمی - ز ۲- هَمو - سو)

● هَمێشَک = همیشه (۱- هَمیشه - ار، سو ۲- هَمَشه - با)

● هَمێشَکیه = همیشگی (همیشه یی - سو)

● هَمیه = یگانگی (هَڤدانی - ز)

● هَنّام = اندام (۱- هَندام - مک ۲- اَنّام - ار ۳- اَنام - ک)

● هَنباتَک = دو دمان (۱- بابک - سو ۲- باڤک - ز)

● هَنبار = انبار (۱- انبار - سو ۲- هَمار - ار)

● هَنبارتار = انباردار (۱- اَنباردار - سو ۲- هَماردار - ار)

● هَنباز = هنباز، انباز (هَڤپا - با)

● هَنبان = انبان، کیسه (۱- هَمبانه - سو ۲- هَوانه - ار ۳- هَمانه - مک ۴- هِمبان - ز)

● هَنجام = انجام (اَنجام - سو، ار)

● هَنداچ = انداز، اندازه (۱- هَندازه - مک ۲- اَندازه - سو ۳- اَنازه - ار)

● هَندام = اندام (۱- هَندام - مک ۲- اَندام - سو ۳- اَنام - ار)

● هَندوتَک = اندوده، اندود شده

(أنو-ل)

● هَندۆخت = اندوخته (۱- انۆخته-ار ۲- نۆته-ک)

● هَندۆه = اندوه (أنو-ار)

● هَنگام = هنگام (۱- هَنگام-گ ۲- هَنقام-۳ ۶-هَنگین-مک)

● هَنۆز = هنوز ، تاکنون (هَنی-ل)

● هِوَرخشێت = هورخش ، خورشید (۱- خوَرشی-ک ۲- وَر -۶)

● هِوَرشێت = هورشید ، خور (۱-خورشێد-گ ۲- خوَر- ار ۳- خۆر-سو)

● هُوَمَزد = هرمزد ، اورمزد ، اهورامزدا (۱- هۆرمِز-۶ ۲- أهورَمَزد-سو)

● هۆش = هوش ، یاد (۱- هۆش -سو، ار ۲- وِش-مک)

● هۆش آدیار = هوشیار (۱- هۆشیار-ار ۲- وِشیار-مک)

● هۆش داشتار = باهوش ، هوش-دار (هۆشدار-ار)

● هۆشَنگ = هوشنگ (هۆشَنگ-ار)

● هوُ = خوب (خو-ل)

● هوُئیه = خوبی (۱-خوبي -ل ۲- خاسی-ار)

● هوُپ = خوب (خو-ل)

● هوُبۆییشن = خوشبو ، بوی خوش (۱- خوَش بۆ- ار ۲-بۆن خۆش-سو)

● هوُرَم = خرم (خُرَّم-ار)

● هوُزار = کم ، اندک (۱-تۆز -ار ، سو ۲-تۆزَک-مک)

● هوُزوان = زبان (۱- زُوان -ار ۲- زبان -سو ۳- زِمان -ز ۴- زو-ل)

● هوُزوان دِرانا = زبان دراز (۱- زُوان درێژ-ار ۲-زودِراز-ل)

● هوُزوانیه = زبانی (۱- زُوانی

-ار۲- زبانی-سو۳-زمانی-ز)

● هوُسرَو = خسرو (۱-خُسرَو-ک ۲-خَسرَو-سو، ار)

● هوُشک = خشک (۱-وُشک-سو، ار۲- هِشک-ز۳-ایشک-ک ۴- هوٚشک-ل)

● هوُشکیه = خشکی (هِشکی-ز)

● هوُک = خوک (۱-خوک-ک ۲-خوگ-ار، سو)

● هوُگر = آسان (هَدار-ز)

● هوُماک = همای، مرغ همای (هُما-ار)

● هوُنَر = هنر (هُنَر-سو،ار)

● هوُنَروٚمَند = هنرمند (۱-هُنَرمَند-سو۲-هُنَرمَن-ار)

● هوُنیاگر = خنیاگر، رامشگر (چرِگر-مک)

● هیٚت = هستید (هَیت-سو)

● هیٚچ = هیچ، ایچ (۱-هیٚچ-ک ۲- هیچ - سو، ار، ل، ۶)

● هیٚچیه = هیچی، پوچی (۱-هیٚچی-ک ۲-هیچی-سو، ار، ل، ۶)

● هیٚشم = خشم (۱-پِشم-گ ۲- پیش-ار)

● هیٚم = خیم، خوی، سرشت (۱-هیم-گ ۲- خَیم-سو)

● هیٚمیٚت = امید (۱- هُمیٚد-سو ۲- هِمیٚ-ک ۳- هیوا-مک ۴- هیڤی-ز ۵ - اُمیٚد-ار)

● هیٚن = اُردو، سپاه، لشکر (۱- هوٚردو-سو ۲ -اُردو-ک، ار)

● هیٚند = هستند (هَن-سو)

● هیشتَن = هشتن، گذاردن (هیٚشتِن - سو، ار)

● هیشم = خشم (پِشم-گ)

● هیشمگیٚن = خشمگین (پشمگین-گ)

● هیشمیه = خشمگینی (پِشمی-

گ)

● هیم = هستیم (هَین - سو)

● هیندوک = هندو، هندی

(۱- هیندۆک - ز ۲- هِندی - ار)

● هیندوکان = کشور هندوستان

● هندوستان (۱- هیندۆکِستان -
ز ۲- هندوستان - ار، سو)

● هیندوکیستان = هیندوکان

یا

● یاتوک = جادو (۱- یاتو - گ
۲- جادو - سو، ار)

● یاتوکیه = جادوئی، جادوگری
(۱- یاتویي - گ ۲- جادویي - ار)

● یار = یار، دوست (یار - سو،
ار، ز)

● یازده = یازده (۱- یازده -
سو، ز ۲- یانگزه - ار)

● یاسمین = یاسمین، یاسمن
(۱- یاسَمین - سو ۲- یاسَمنه -
مک ۳- یاس - ار ۴- آسمین - ز)

● یاکند = یاکند، یاقوت (۱-
یاگند - گ ۲- یاخَند - مک)

● یام = جام، آوند (جام - سو، ار)

● یامک = جام، آوند (یامه - گ)

● یَزدان = یزدان، خدا (
یَزدان - سو)

● یَک = یک (۱- یَک - سو، ار
۲- ائیک - ز)

● یَل = یل، پهلوان (یَل - ار)

● یَو = جو (۱- یَو - گ ۲- یَوی
- مه ۳- یَقه - با ۴- جۆ - سو، ار
۵- جَه - ز)

● یوخت = جفت (۱- جوت - سو
۲- جِفت - ار، ل ۳- جۆت - ز)

● یووان = جوان، برنا (۱- جُوان
ار ۲- جوان - سو)

● یووانیه = جوانی (جُوانی - ار)

دست نویس صفی زاده